



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 37, Issue 1, No.101, 2026, pp 39-70

Received: 07.06.2025 Accepted: 03.09.2025

Research Paper

Social Construction of National Identity: A Data-Based Study of the Conflict between Ethnic and National Identities of the Arabs of Khuzestan¹

Narges Khoshkalam* 

Ph.D. in Sociology and a post-doctoral researcher, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

n-khoshkalam@scu.ac.ir

Abdolreza Navah

Associate professor, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
ar.navah@scu.ac.ir

Introduction

The study of the relationship between ethnic and national identities in today's world is of significant interest to scholars, researchers, and policymakers. Ethnocentrism remains a critical social issue in multi-ethnic countries. Among the various ethnic groups in Iran, the Arab community frequently exemplifies the conflict between ethnic and national identities. The sporadic emergence of extremist terrorist groups in Khuzestan, along with the resulting events, underscores the relevance of this issue. The conflict between ethnic and national identities is ultimately a subjective phenomenon that exists "in the minds" of individuals. Therefore, addressing this problem requires an analysis of how individuals perceive these identities, which is essential for understanding the underlying causes of ethnic and national identity conflicts, as well as the reactions of the involved parties. Given the importance of this issue in undermining national unity and security, as well as threatening Iran's territorial integrity and the geopolitical stability of Khuzestan Province, several critical questions arise: What are the causes of the emergence of this phenomenon among the Arabs of Khuzestan? What are the resultant consequences? What strategies have the involved parties adopted in response to this phenomenon? And what factors and conditions are those strategies influenced by?

Materials & Methods

The present study employed a grounded theory approach, reflecting the qualitative nature of its research questions. In this methodology, concepts and categories were derived from interviews and organized into a paradigmatic model through 3 stages: open, axial, and selective coding. Our aim was to conduct a sociological analysis of the issue at hand. Using the qualitative grounded theory method, this study examined the process of social construction of national identity among the Arabs of Khuzestan. Sampling was conducted through purposive methods with data collection achieved via in-depth interviews until theoretical saturation was reached, thus resulting in a total of 30 interviews. The coding process proceeded as follows: After each interview was transcribed, open coding was performed to identify the main categories. During this phase, the interview texts were segmented into sentences, generating 563 primary raw codes. These primary

codes were then refined into 392 secondary codes, which were grouped into related conceptual codes or concepts, resulting in 66 distinct concepts. By clustering several related concepts, we formed 29 subcategories, which were subsequently organized into 14 main categories through further categorization of related subcategories.

Discussion of Results & Conclusion

The findings indicated that the phenomenon of "identity conflict" had arisen from several causal conditions: 1) racial-ethnic distinctions, 2) historical-cultural conflicts, 3) economic and climatic deprivation, and 4) socio-political exclusion. In response, various actors had engaged in the social construction of national identity. This strategy was shaped by the following background conditions: 1) demographic characteristics, 2) socio-economic foundations, and 3) proximity to other groups. Additionally, intervening

* Corresponding author

¹ This article is an extract from a post-doctoral research project

Khoshkalam, N., & Navah, A. (2026). Social construction of national identity: A data-based study of the conflict between ethnic and national identities of the Arabs of Khuzestan. *Journal of Applied Sociology*, 37(1), 39-70. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.145550.2656>



conditions included: 1) social pluralism, 2) cultural convergence, and 3) experiences of patriotic disasters. The consequences of these dynamics were twofold: social cohesion (national unity) and political cohesion (national security). In general, the creation of a national identity could occur through two pathways: political and social. The social approach developed by grassroots activists at the micro level proved to be more effective in sustaining national security. Ultimately, the resolution of the identity conflict stemmed

from the social construction of national identity by these actors rather than from the political identity constructed by the state. In essence, the grassroots social strategies employed by individuals to foster national identity had demonstrated greater effectiveness than the broader political strategies implemented by the government.

Keywords: Khuzestan Arabs, National Security, Identity Conflict, Ethnic and National Identity, Grounded Theory.



مقاله پژوهشی

برساخت اجتماعی هویت ملی، مطالعه داده‌بنیاد تعارض هویت قومی و ملی اعراب خوزستان^۱

نرگس خوشکلام^{ID*}، دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر پسادکترای، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی،

دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

n-khoshkalam@scu.ac.ir

عبدالرضا نواح، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

ar.navah@scu.ac.ir

چکیده

بررسی رابطه میان هویت‌های قومی و ملی در دنیای کنونی مورد توجه ویژه اندیشمندان، پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار دارد و قوم‌گرایی یکی از مسائل اجتماعی اساسی کشورهای چندقومیتی است. یکی از اقوام ایرانی که همواره مسئله تعارض میان هویت قومی و ملی در رابطه با آن مطرح می‌شود، قوم عرب است. ظهور گهگاهی گروه‌های افراطی تروریستی در خوزستان و وقایع ناشی از آن مؤید وجود این مسئله است. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی نظریه زمینه‌ای، فرایند برساخت اجتماعی هویت ملی در میان اعراب خوزستان را بررسی کرده است. نمونه‌گیری به روش هدفمند و گردآوری داده‌ها به روش مصاحبه عمیق تا زمان اشباع نظری (۳۰ مصاحبه) ادامه یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده «تعارض هویتی» بر اثر شرایط علی از جمله: (۱) تمایز تبار-نژادی، (۲) تعارض تاریخی-فرهنگی، (۳) محرومیت اقتصادی-اقلیمی و (۴) طرد اجتماعی-سیاسی ظهور یافته است و کنشگران در مواجهه با آن به برساخت اجتماعی هویت ملی پرداخته‌اند. این راهبرد متأثر از شرایط زمینه‌ای شامل (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، (۲) پایگاه اقتصادی-اجتماعی و (۳) همجواری با غیر و متأثر از شرایط مداخله‌گر شامل (۱) تکثرگرایی اجتماعی، (۲) همگرایی فرهنگی و (۳) بلایای میهن‌نما بوده و دو پیامد مهم آن نیز انسجام اجتماعی (وحدت ملی) و انسجام سیاسی (امنیت ملی) بوده‌اند. به‌طورکلی ایجاد هویت ملی به دو شیوه سیاسی و اجتماعی امکان‌پذیر است و نوع اجتماعی آنکه توسط کنشگران در سطح خرد برساخته می‌شود، کارآمدی بیشتری در حفظ امنیت ملی دارد.

واژه‌های کلیدی: اعراب خوزستان، امنیت ملی، تعارض هویت، هویت قومی و ملی، نظریه داده‌بنیاد.

* نویسنده مسئول:

^۱ مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی دوره پسادکتراست که با حمایت معنوی دانشگاه شهید چمران اهواز انجام گرفته است.

خوشکلام، نرگس و نواح، عبدالرضا. (۱۴۰۵). برساخت اجتماعی هویت ملی مطالعه داده‌بنیاد تعارض هویت قومی و ملی اعراب خوزستان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۷(۱)، ص

۳۹-۷۰. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.145550.2656>



مقدمه و بیان مسئله

در نهم نوامبر ۱۹۹۳م. بطروس غالی^۱، دبیرکل وقت سازمان ملل، هشدار داد امنیت جهانی به علت گسترش منازعات قومی در معرض تهدید است. مطابق با گزارش وی، از پایان جنگ جهانی دوم تا ۱۹۹۳، تعداد ۱۲۷ جنگ رخ داده که بیشترشان ناشی از اختلافات قومی بوده و بیشتر جوامع، پیامدهای چنین خشونت‌هایی را متحمل شده‌اند (Christie, 1998: 2). بروز خشونت‌های قومی به‌ویژه در اوراسیا و آفریقا در اوایل دهه ۹۰، بحث‌هایی جدی را درباره آینده نظام بین‌الملل، دولت‌ها و امنیت شهروندان آنها پیش کشید. چشم‌اندازهای بدبینانه به این موضوع در آثاری همچون *منازعات بی‌پایان* از ریچارد هاس^۲ (1999)، *آشوب* از دانیل موینیان^۳ (1993) و *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی* از ساموئل هانتینگتون^۴ (1996) بازتاب یافت. آنچه آثار مذکور متفقاً بر اهمیت آن تأکید دارند، نقش تعارض میان «هویت ملی»^۵ و «هویت قومی»^۶ در بروز منازعات قومی است.

دیوید ایستون^۷ (1965) در کتاب *تحلیل سیستمی زندگی سیاسی* معتقد است که سرنوشت سیاسی یک ملت را حمایتش از حاکمیت رقم می‌زند؛ حمایتی که مبتنی بر «احساس ما بودن» یا همان هویت ملی و وفاداری به جامعه سیاسی است (Easton, 1965). همچنین، به دلیل آنکه عدم حمایت سیاسی شهروندان از حاکمیت ممکن است آنها را به سمت شورش سوق دهد، ایجاد مشروعیت سیاسی و تأمین امنیت ملی از چالش‌های اصلی حکومت‌ها در جوامع چندقومی است (Flesken & Hartl, 2020). امنیت ملی به معنای حفظ تمامیت ارضی، ثبات سیاسی و اجتماعی و توسعه اقتصادی یک کشور است. ایستون (1965) همچنین میان

«حمایت فراگیر»^۸ و «حمایت اختصاصی»^۹، که بقای یک نظام سیاسی منوط به وجود هم‌زمان آنهاست، تمایز قائل می‌شود. حمایت فراگیر به وفاداری عمیق و عاطفی شهروندان به جامعه سیاسی خود و همبستگی اجتماعی اشاره دارد؛ یعنی احساسات جمعی مردم در رابطه با کار و زندگی مشترک در یک جامعه برای برآوردن نیازهایشان (Easton, 1965: 185). اگرچه ممکن است اعضای یک جامعه سیاسی دارای قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی باشند، با یک تقسیم کار سیاسی توافقی (همچون مشارکت سیاسی) به هم پیوند خورده‌اند (Easton, 1965: 177). این تعریف ایستون (1965) از جامعه سیاسی، به‌ویژه با کشور ایران تطابق دارد؛ زیرا در ایران هویت‌های قومی-منطقه‌ای و ملی به موازات یکدیگر وجود دارند. از نظر وی، برای حفظ امنیت ملی، حمایت فراگیر باید بر حمایت اختصاصی غالب باشد. حمایت اختصاصی، عقلانی‌تر یا مبتنی بر منفعت و به معنای حمایت از نهادها یا سیاست‌مداران خاص است. برخلاف حمایت فراگیر که کمتر احتمال دارد در طول زمان دچار تحول شود، حمایت اختصاصی مشروط به عملکرد سیاست‌مداران است. اگر نظام سیاسی خواسته‌های اعضای ملت را برآورده نکند، به شکل‌گیری احساس نارضایتی عمیق در ابتدا از مقامات و سپس از کل نظام سیاسی منجر خواهد شد و در نتیجه از حمایت اختصاصی و نیز از حمایت فراگیر دست خواهند کشید (Easton, 1965: 231).

تنوع و تکرر قومی چشمگیر در درون مرزهای یک کشور، ناچار مسئله تهدیدآمیز تعارض هویت ملی و هویت قومی را همواره به صورت بالقوه داراست؛ مسئله‌ای که به‌خصوص هنگام خیزش جریان‌های هویت‌خواه، بالفعل و عیان می‌شود و می‌تواند پتانسیل منازعات قومی را افزایش دهد. «ایران کشوری است که تنوع قومیتی به‌عنوان یک واقعیت تاریخی-سیاسی همواره با جغرافیای سیاسی آن گره خورده و از نظر تنوع قومیتی با تنها ۲۴ درصد همانندی در رتبه شانزدهم جهان

¹ Boutros Ghali

² Richard Haas

³ Daniel Moynihan

⁴ Samuel Huntington

⁵ National Identity

⁶ Ethnic Identity

⁷ David Easton

⁸ Diffuse Support

⁹ Specific Support

و تکیه بر عناصر اصیل قومی و فرهنگی (همچون زبان، دین، پوشش، موسیقی و...) به بازتعریف هویت قومی خود می‌پردازند و بر آن تأکید می‌کنند که ممکن است در جوامع دارای تکثر و تنوع قومی به تضعیف اقتدار و امنیت ملی و کم‌رنگ شدن هویت ملی در مقابل هویت قومی منجر شود. «پس باید پذیرفت که اقوام ایرانی وجود دارند و با بحران هویت روبه‌رو هستند؛ بنابراین، تفکیک بین دو نکته در اینجا مهم است: اول اینکه ایران از تنوع قومی برخوردار است؛ دوم، این تنوع قومی موجب مشکلاتی در شکل‌گیری هویت ملی شده است.» (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰) «سوابق حوادث تاریخی مانند جدایی آذربایجان و کردستان از ایران در سال ۱۳۲۴ و برخی زمزمه‌های عربی‌بودن خوزستان و حتی خلیج فارس و ادعاهای برون‌مرزی در این زمینه و پژواک آن در اذهان عده‌ای از مرزنشینان ایران، نشان می‌دهد که هویت ملی ایرانی با اشکالات فرهنگی و کلان روبه‌روست.» (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۱۱۴) یکی از اقوام ایرانی که همواره مسئله تعارض میان هویت ملی و قومی در رابطه با آن مطرح می‌شود، قوم عرب است. «ظهور گروه‌های افراطی تروریستی در خوزستان و به‌ویژه در شهر اهواز و وقایع ناشی از آن، که طی چند سال گذشته به وقوع پیوسته است، همگی مؤید این نظر است.» (مقدس و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۷) بروز چنین وقایعی حاکی از بُعد امنیتی مسئله است؛ زیرا «عواملی در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی باعث پررنگ شدن تمایزات قومی و زبانی شده و نهایتاً تعمیق نوعی خودآگاهی قومی را به دنبال داشته است.» (نبوی، ۱۳۸۳: ۲۵). «یکی از عوامل مؤثر در امنیت، به‌ویژه امنیت نرم، انسجام و یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی است. ارتباط و اتصال لایه‌های اجتماعی و تعامل اجزای نظام فرهنگی (فرهنگ آرمانی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و...) در قالب یک نظام یکپارچه، ظرفیت‌های تولید قدرت فرهنگ (نرم) را افزایش داده و کارکرد نظام اجتماعی را به سوی یکپارچگی و انسجام ساختاری سوق می‌دهد.» (خادم‌دقیق و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴) «احساس تبعیض قومی نه تنها می‌تواند به کاهش انسجام و همبستگی منجر شود، بلکه

قرار دارد. اگرچه حدود ۶۰ درصد از جمعیت ایران را فارس‌ها تشکیل می‌دهند، در عین حال وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تأثیرات عظیم آنها در تحولات تاریخی، واقعیت مشهودی است که می‌تواند مبنای پیش‌بینی وضعیت آینده امنیتی کشور قرار گیرد.» (غلامرضایی، ۱۴۰۰: ۳۶) ناصر فکوهی (۱۳۹۵) معتقد است که وحدت ملی در ایران از زمان هخامنشی تاکنون بر مبنای محورهای سیاسی، زبانی، فرهنگی و... حفظ شده و به‌طور کلی راهبردهای حاکمیت در این راستا از دو الگو تبعیت کرده است: الگوی اول از تنوع، تفاوت و تکثر فرهنگی دفاع کرده است و در آن، دولت به دنبال یکدست‌سازی و سلطه قومی نیست، بلکه بیشتر به دنبال احترام به تنوع و تکثر قومی است که نتیجه آن، افزایش قدرت حاکمیت، انسجام داخلی و رشد و شکوفایی کشور است؛ اما الگوی دوم مبتنی بر یکدست‌سازی قومی و تخریب هویت‌های قومی است که راهبرد مخرب‌تری بوده و نتیجه آن تضعیف حکومت مرکزی و ایجاد هرج‌ومرج در کشور است (فکوهی، ۱۳۹۵)؛ اما به نظر می‌رسد تاکنون در طرح مسئله اجتماعی تعارض هویت قومی و ملی و ارزیابی شواهد ناشی از آن، بررسی چندان دقیقی صورت نگرفته و بیشتر دچار کلی‌گویی و تکرار شده است. این بدان دلیل است که «در ادبیات این موضوع خلأ تحقیقات تجربی و بررسی‌های جامعه‌شناختی به‌وضوح دیده می‌شود و البته ناگفته پیداست که در شرایط فقدان این‌گونه مطالعات، بررسی و ارزیابی فرضیه‌های مربوط به وحدت ملی در شرایط کنونی و آینده، به‌سختی امکان‌پذیر خواهد بود» (حاجیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). در عین حال «بررسی مسئله وحدت ملی بدون تأمل در سطح فرد (کنشگران ایرانی) و نیز بدون سنجش هویت اجتماعی-فرهنگی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در نهایت موضوع همگرایی (یا بالعکس واگرایی) جز با مطالعه کنشگران و آن هم بر مبنای برداشت‌ها، تعاریف، تفاسیر و در کل هویت‌هایی که خود را بدان وسیله شناسایی و تشخیص می‌دهند، امکان‌پذیر نیست» (حاجیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۵). امروزه اعضای اقوام مختلف با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی

تا بتوان به صورت عمیق ادراک کنشگران از پدیده فوق را واکاوی کرد؛ بر همین اساس پژوهشگران مقاله حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی نظریه زمینه‌ای به دنبال تحلیل جامعه‌شناختی این مسئله بوده‌اند.

پیشینه تحقیق

تاکنون در رابطه با موضوع تعارض هویت قومی و ملی پژوهش‌های خارجی متعددی در کشورهای چندقومی همچون آمریکا، فرانسه، استرالیا، چین، روسیه، قرقیزستان، افغانستان، مالزی، اندونزی، نیجریه و... انجام گرفته، اما مهم این است که وضعیت پژوهش‌های داخلی در این رابطه چگونه است و آیا باتوجه به اهمیت این موضوع در کشور چندقومی ایران، به نحوی شایسته از منظر جامعه‌شناختی بدان پرداخته شده یا خیر. جدول (۱) شرح مختصری از یافته‌های پژوهش‌های داخلی مرتبطی را نشان می‌دهد که تاکنون ثبت شده است.

می‌تواند زمینه‌ساز قیام‌ها و شورش‌های قومی باشد.» (صفا و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۵)

باتوجه به آگاهی سیاسی روزافزون گروه‌های قومی و افزایش مطالبات سیاسی آنان، وضعیت خطیری پیش روی سیاست‌گذاران قرار دارد، به‌ویژه اینکه فقدان هویت ملی، اغلب به وجود منازعات قومی و توسعه اقتصادی ضعیف نسبت داده می‌شود؛ بر همین اساس محقق ژاپنی، کاژیرو یوکی^۱ (2021)، به شکلی معکوس پرسیده است: آیا سیاست‌های ملت‌سازی و پرورش غرور ملی که به‌منظور تسهیل نوسازی صنعتی جامعه و دستیابی به توسعه اقتصادی طرح می‌شوند، به کاهش منازعات و درگیری‌های قومی منجر خواهند شد؟ نتیجه جالب توجه تحلیل وی نشان داده که درواقع این عدم برجستگی تفاوت‌های قومی «در ذهن» مردم است که باعث موفقیت سیاست‌های ملت‌سازی و نهادهای مربوط به آن در ایجاد غرور ملی می‌شود و نه برعکس. نکته مهم‌تر اینکه در صورت وجود برجستگی چنین تفاوت‌ها و تعارضاتی، حتی فرایندهای نوسازی نیز پیامدهای مخرب و افزایش منازعات قومی را به دنبال خواهند داشت (Yuki, 2021). از تحلیل یوکی (2021) چنین برداشت می‌شود که تعارض هویت قومی و ملی، امری سوژکتیو است که «در ذهن» افراد شکل می‌گیرد و در نتیجه پیش‌نیاز حل این مسئله، واکاوی معانی ذهنی افراد در این باره به‌منظور فهم علل شکل‌گیری پدیده تعارض هویت قومی و ملی و نوع واکنش کنشگران به آن است. باتوجه به اهمیت نقش این مسئله در تضعیف وحدت و امنیت ملی و به خطر انداختن تمامیت ارضی ایران و نیز موقعیت ژئوپلیتیک استان خوزستان، این پرسش‌ها پیش کشیده می‌شود که علل ظهور پدیده مذکور در میان اعراب خوزستان و نیز پیامدهای ناشی از آن چه هستند و کنشگران در مواجهه با این پدیده چه راهبردی را، متأثر از چه عوامل و شرایطی اتخاذ کرده‌اند. پاسخ‌دادن به چنین پرسش‌هایی مستلزم به‌کارگیری روش تحقیق کیفی بوده است

¹ Kazuhiro Yuki

جدول ۱- پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع تعارض هویت قومی و ملی

Table 1- Domestic research related to the issue of ethnic and national identity conflict

نتایج	روش	محقق/محققان
بررسی روابط اقتصادی (معیشتی)، سیاسی (تعارض‌آمیز)، فرهنگی (فکری) و اجتماعی (عاطفی) در بین اقوام آذری، بلوچ، فارس، کرد و لر نشان داده است که تعلق به اجتماع ملی با افزایش همکاری‌های بین‌قومی که از ترکیب سه نوع رابطه فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود، افزایش و درمقابل با افزایش تعارضات قومی، کاهش می‌یابد.	پیمایش ملی	یوسفی (۱۳۸۰)
دو متغیر ارتباطات فراملی-فرصت یکسان و ارتباطات فراملی-فرصت متفاوت، بر متغیر برجستگی هویت‌های ملی و قومی اعراب خوزستان تأثیر معنادار دارند؛ اما متغیرهای ارتباطات درون‌ملی، جهانی‌سازی و آزادی‌های مدنی تأثیر معناداری ندارند.	پیمایش محلی	عالمی‌نیسی (۱۳۸۳)
مشارکت اعراب خوزستان در مقایسه با فارس‌ها در انتخابات سطح ملی کم بوده است؛ اما در انتخاباتی که با انگیزه قومی صورت گرفته، زیاد بوده است.	پیمایش محلی	محمدیهودی (۱۳۸۴)
با افزایش احساس محرومیت نسبی در میان اعراب خوزستان، هویت قومی تشدید می‌شود و در پی آن برخی جنبه‌های هویت ملی کاهش می‌یابد؛ بنابراین، بین هویت قومی و هویت ملی اعراب خوزستان رابطه معکوسی وجود دارد.	پیمایش محلی	نواح و تقوی‌نسب (۱۳۸۶)
هویت قومی و هویت ملی هر دو در میان کُردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها، عرب‌ها، ترکمن‌ها و لرها به‌طور توأمان، قوت و برجستگی دارند و میان آن‌ها رابطه تعارض‌آمیز و قطبی وجود ندارد.	پیمایش ملی	حاجیانی (۱۳۸۷)
گرایش به ارزش‌های جهانی‌شدن در برجستگی هویت قومی در برابر هویت ملی اعراب خوزستان مؤثر است.	پیمایش محلی	جلایی‌پور و قنبری (۱۳۸۸)
نتایج بررسی رابطه بین هویت ملی و قومی دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی نشان داده است که بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت، هم‌افزا و متوسطی وجود دارد. بین متغیر «احساس محرومیت نسبی» و «هویت ملی» رابطه منفی نسبتاً زیادی وجود دارد و این ارتباط با متغیر «هویت قومی» مثبت و در حد ضعیفی بوده است. همچنین متغیر «جامعه‌پذیری قومی» با «هویت ملی» رابطه ضعیف و مثبت و با «هویت قومی» رابطه مثبت، هم‌افزا و متوسط داشته است.	پیمایش ملی	ربیانی و همکاران (۱۳۸۸ب)
بررسی عوامل مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی اعراب شهرستان اهواز نشان داده است که میان متغیرهای سن، شغل، درآمد خانواده، میزان مالکیت خانواده، احساس محرومیت نسبی در بُعد اقتصادی، منطقه مسکونی (عرب‌نشین و مختلط)، میزان اعتماد به قوم، پابندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از نظام سیاسی، مشارکت در امور سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی و متغیر هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد؛ اما رابطه متغیرهای جنس، وضعیت تأهل و سابقه شهرنشینی با آن معنادار نیست. رابطه هویت قومی و هویت ملی نیز معکوس است.	پیمایش محلی	مقصدس و همکاران (۱۳۸۸)
احساس تعلق به هویت کُردی در بین جوانان پیرانشهر بسیار قوی‌تر از احساس تعلق به هویت ایرانی است.	کیفی (نماتیک)	فکوهی و آموسی (۱۳۸۸)
براساس مطالعه چگونگی تعامل هویت ملی و قومی دانشجویان آذری، عرب و بلوچ، رابطه معنادار و مثبت بین هویت ملی و هویت قومی بلوچ ۳۳ درصد بوده و با افزایش احساس محرومیت، هویت ملی تضعیف و هویت قومی تقویت می‌شود.	پیمایش محلی	میرزایی و عباس‌زاده (۱۳۹۲)
رابطه بین هویت ملی با عزت‌نفس و احساس محرومیت دانشجویان آذری دانشگاه تبریز معنادار و منفی است؛ اما با زبان مادری، معنادار نیست. دانشجویان طبقه پایین از هویت ملی پایین‌تری در مقایسه با سایر دانشجویان برخوردار بوده‌اند.	پیمایش محلی	آقایی‌هیر و همکاران (۱۳۹۲)
نتایج نشان می‌دهد که هر دو هویت قومی و ملی در میان اقوام ایرانی برجسته است. همچنین همبستگی میان احساس تعلق به قومیت و دلبستگی به ملیت در کل نمونه مثبت است؛ اما میزان رابطه و جهت آن در میان اقوام متفاوت است.	فراتحلیل	امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲)
نتایج بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهادشت بیانگر مثبت و معنی‌دار بودن این رابطه بوده و بین مؤلفه‌های میراث فرهنگ ملی و تمامی مؤلفه‌های هویت قومی همبستگی مثبت وجود داشته است.	پیمایش محلی	حیدری و جعفرزاده‌پور (۱۳۹۳)

نتایج	روش	محقق/محققان
رابطه هویت قومی و ملی دانش‌آموزان متوسطه یاسوج با فرض گرفتن نقش مرکزگرایی دین در ایران مثبت بوده و ابعاد چهارگانه دینداری، به‌ویژه ابعاد اعتقادی و عاطفی آن، همبستگی مثبت و مستقیمی با هویت ملی پاسخ‌گویان داشته‌اند. همبستگی ابعاد دینداری، به استثنای بُعد پیامدی، با هویت قومی پاسخ‌گویان معنی‌دار نبوده است.	پیمایش محلی	بهجتی اصل و همکاران (۱۳۹۳)
بررسی رابطه هویت ملی و هویت قومی در میان دانشجویان کرد، ترک، لر و فارس دانشگاه تهران نشان می‌دهد که میان هویت ملی و قومی رابطه‌ای مثبت و هم‌افزا برقرار است.	پیمایش محلی	مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۳)
بررسی رابطه هویت ملی و قومی جوانان آذری شهر زنجان نشان داده است که بین هویت ملی و هویت قومی نه‌تنها رابطه منفی وجود ندارد، بلکه رابطه‌ای تقویتی (با شدت کم) برقرار است.	پیمایش محلی	احمدی و گنج‌خانلو (۱۳۹۳)
بررسی ابعاد هویت قومی، ملی و جهانی دانشجویان (ترک، لر و کرد) دانشگاه شهید مدنی آذربایجان نشان داده است که از بین نه بُعد هویتی شناسایی شده، شش مورد مربوط به مؤلفه قومیت‌گرایی و سه مؤلفه مربوط به ملیت‌گرایی بوده‌اند.	پیمایش محلی	مصرآبادی و همکاران (۱۳۹۴)
نتایج بررسی میزان توجه به هویت قومی و ملی ایرانی در دو گروه از دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه‌های تهران حاکی از اهمیت دادن آنها به بُعد قومی هویت خویش است.	پیمایش محلی	عبداله (۱۳۹۵)
نتایج بررسی نسبت هویت قومی و ملی در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال متعلق به شش گروه قومی ساکن شهر کرج بیانگر وجود قرابت‌هایی بین هویت قومی و ملی است.	پیمایش محلی	مروت (۱۳۹۶)
نتایج فراتحلیل ۵۰ مقاله درباره رابطه هویت قومی و هویت ملی در ایران نشان داده است که رویکرد اثبات‌گرایانه تحقیق وجه غالب روش‌شناختی مقالات بوده است. مبحث قومیت در بین دو قوم کرد و عرب با حساسیت بیشتری دنبال شده است. ۴۰ درصد مقالات قائل به همسازی بین هویت ملی و هویت قومی بوده‌اند. در مجموع، فقط در بین دو قوم کرد و عرب تعلق به هویت قومی بیشتر از هویت ملی بوده است.	فراتحلیل	بهشتی و حقم‌رادی (۱۳۹۶)
نتایج بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی دانشجویان آذری، لر، فارس، کرد و عرب دانشگاه‌های تهران، آذربایجان غربی، اهواز و لرستان نشان داده است که بین هویت ملی و قومی رابطه مثبتی وجود دارد.	پیمایش محلی	صادق‌زاده و ناد (۱۳۹۷)
ارزیابی الگوهای مدیریت تعارض هویت قومی و ملی در ایران با فراتحلیل ۱۲۷ مقاله نشان می‌دهد که توسعه ناموزون به‌ویژه در بُعد اقتصادی و نابرابری اجتماعی-سیاسی، برخورد سیاسی و ایدئولوژیک با اقوام، عدم رعایت قانون مربوط به اقوام، کنترل فرهنگی اقوام، روش‌های اقتدارگرایانه، دخالت بیگانگان، دستگاه بوروکراتیک حکومتی و تمرکزگرایی و تأکید بر هویت ملی بیشتر از هویت قومی از علل عدم کامیابی این الگوها بوده‌اند.	فراتحلیل	محمودی و همکاران (۱۳۹۸)
در پژوهشی با عنوان «از مرز تا مرز» در بین اقوام فارس، ترک، کرد، عرب و بلوچ در ۱۳ استان، به مدلی مفهومی رسیده که در آن، پدیده محوری (مطالبه عدالت/گسست اجتماعی)، شرایط علی (اقتصادی، ایدئولوژیک)، شرایط مداخله‌گر (رسانه‌ها، سبک زندگی)، شرایط زمینه‌ای (شاخص‌های قانونی/فرهنگی، سوءمدیریت)، کنش راهبردی (کنش صلح‌آمیز/پذیرش وضعیت موجود/تعامل دولت و ملت) و پیامدها (ثبات/زوال سرمایه اجتماعی) هستند. نتایج نشان داده است که تنوعات هویتی-قومیتی ایران معاصر با فرایندهای جهانی‌شدن همراه شده و مناقشات بین‌قومی را رقم زده است که در جهت رفع تبعیض و نیل به توسعه اجتماعی به هویت‌خواهی و عدالت‌طلبی گرایش دارد؛ زیرا هویت‌های اجتماعی ایرانی از سیطره عناصر هویت فارسی بر ارکان خویش ناراضی‌اند و وضعیت تقلیل‌یافته هویت ایرانی را عادلانه و در جهت توسعه هویت‌های جمعی نمی‌دانند.	ترکیبی (پیمایش و GT)	احمدی (۱۳۹۸)
بررسی رابطه هویت قومی و دلبستگی ملی دانش‌آموزان دوره دوم مقطع متوسطه تهران نشان داده است که بین دو متغیر هویت قومی و دلبستگی ملی رابطه معنادار قوی و مثبتی وجود دارد.	پیمایش محلی	لجمیری و همکاران (۱۳۹۹)
نتایج مطالعه کتابخانه‌ای نشان داده است که هویت‌های ملی و قومی در میان اقوام ایرانی برجسته هستند و تفاوت معنی‌داری از لحاظ میانگین گرایش اقوام به این دو بُعد هویت وجود ندارد.	مروری	غلامرضایی (۱۴۰۰)
بین هویت قومی دانش‌آموزان شهر زاهدان و هویت ملی و هویت دینی و هویت جهانی رابطه معنادار مثبت و مستقیمی وجود دارد و دو عامل قومیت و مذهب تفاوت‌های جدی قوم بلوچ از مابقی کشور است.	پیمایش محلی	موحدمجد و همکاران (۱۴۰۱)

تفاوت و تشابه دارد و از نیازهای روانی انسان و پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است (فکوهی و عیاری، ۱۳۸۸: ۲). اساس دوام و بقای جامعه انسانی، هویت اجتماعی آن جامعه و نتیجه فرایند تعامل بین فرد و میدان اجتماعی است (ریانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۳۰). هویت جمعی یا اجتماعی به پیوند روان‌شناختی بین افراد و گروه‌های اجتماعی‌ای اشاره دارد که عضویشان هستند (Tajfel, 1981). یک هویت جمعی قوی، احساس تعلق و تعهد متقابل را در میان اعضای یک گروه تقویت می‌کند و موجب دلبستگی و وفاداری آنها به گروه، اغلب به بهای از دست دادن پیوندهای برون‌گروهی، می‌شود؛ از این رو، هویت اجتماعی هم‌زمان به صورتی متناقض، مردم را یکپارچه و جدا از هم می‌سازد. مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی‌ای که افراد با عضویت و احساس تعلق به آنها نوعی هویت جمعی کسب می‌کنند، گروه‌های ملی و قومی هستند. پیوستگی به این دو گروه، به ترتیب به خلق، بسط و تثبیت هویت‌های جمعی ملی و قومی می‌انجامد. «هویت ملی» عبارت است از «ویژگی‌های ابعاد پنج‌گانه ملت در هر جامعه خاص: (۱) بُعد روان‌شناختی مخصوص یک ملت، (۲) فرهنگ و آداب و رسوم متمایز از فرهنگ ملل دیگر، (۳) سرزمین و قلمرو مخصوص یک ملت، (۴) نظام سیاسی و (۵) اتفاقات تاریخی خاص یک ملت» (گیبیرنا، ۱۳۷۸: ۸۱). «هویت قومی» نیز هویتی است که موجب می‌شود تا اعضای یک قوم، خود را از لحاظ ویژگی‌های خاص قومی-فرهنگی از سایر اعضای جامعه بزرگ‌تر (مثلاً ملت) متمایز بدانند (داوری، ۱۳۷۶: ۴۴). همان‌طور که از تعاریف پیداست، هم‌پوشانی مفهومی زیادی بین مفاهیم هویت قومی و هویت ملی وجود دارد.

بندیکت اندرسون^۲ (1991) معتقد است که هویت ملی چیزی نیست جز ایدئولوژی دولت که توسط نخبگان سیاسی ساخته می‌شود و ریشه‌های مشترک تبارشناسی و جغرافیایی را به‌عنوان اسطوره‌هایی برای ایجاد پیوند مؤثر میان اعضای جامعه به کار می‌برد (Anderson, 1991). توماس اریکسن^۳

همان‌طور که پیداست در نتیجه جست‌وجوی ترکیب‌هایی از واژگان کلیدی و نیز جست‌وجوی درختی پیشینه استفاده‌شده در هر تحقیق مرتبط، در نهایت تعداد ۲۷ تحقیق داخلی از سال ۱۳۸۰ به بعد از میان شمار فراوان تحقیقات ملاحظه‌شده، مرتبط‌ترین تحقیقات انجام‌شده با موضوع تحقیق حاضر بودند که این تعداد با توجه به بافت چندقومی جامعه ایران، گستره وسیع و متنوع اقوام ایرانی و اهمیت موضوع تعارض هویت قومی و ملی و پیامدهای مخرب ناشی از آن بسیار اندک است و ضرورت انجام تحقیقات مرتبط را آشکار می‌سازد. تحقیقات مذکور (جدول ۱) در مجموع شامل ۲۱ تحقیق پیمایشی (۱۸ پیمایش محلی و ۳ پیمایش ملی)، ۳ تحقیق فراتحلیل، یک تحقیق کیفی (تحلیل مضمون)، یک تحقیق ترکیبی (پیمایش و GT) و یک تحقیق مروری هستند. همان‌طور که پیداست، بیشتر تحقیقات پیشین به روش پیمایش انجام شده‌اند و جامعه هدف تحقیق کیفی فکوهی و آموسی (۱۳۸۸)، جوانان گُرد پیرانشهر و تحقیق ترکیبی احمدی (۱۳۹۸) اقوام فارس، ترک، کرد، عرب و بلوچ است؛ به عبارت دیگر با وجود بافت چندقومی جامعه ایران و مسائل ناشی از آن، نه‌تنها تاکنون درباره تعارض هویت قومی و ملی تحقیقات جامعه‌شناختی کیفی متناسب و در حد مطلوب انجام نشده، بلکه اساساً هیچ تحقیق کیفی‌ای به‌طور خاص بر اعراب خوزستان متمرکز نشده است. همچنین تحقیقات مذکور تنها رابطه میان برخی از متغیرها را با هویت قومی سنجیده‌اند و نه فرایند شکل‌گیری پدیده تعارض هویت قومی و ملی و نوع مواجهه کنشگران با آن؛ بر همین اساس تحقیق حاضر سعی داشته است تا این فرایند را با استفاده از روش تحقیق کیفی نظریه زمینه‌ای و در میان جامعه اعراب خوزستان واکاوی و تحلیل کند.

چارچوب مفهومی

«هویت»^۱ اساساً مفهومی دوجبهی است که هم‌زمان دلالت بر

² Benedict Anderson

³ Thomas Eriksen

¹ Identity

153). برخلاف ناگل، سینیشا مالشویچ^۳ (۱۳۹۹) عقیده دارد که هویت قومی پدیده‌ای ازلی نیست که مشخصه‌های آن نژاد، زبان، مذهب و خاطرات جمعی مشترک یا سبک زندگی مشترک بین گروه خاصی باشد، بلکه متأثر از عواملی غیر از اشتراکات ازلی یا تاریخی شکل می‌گیرد و در واقع کنشی اجتماعی-سیاسی است (مالشویچ، ۱۳۹۹: ۲۶۰). چنانچه پیداست، تعریف مالشویچ از هویت قومی با تعاریف اندرسون، اریکسن و هابزباوم از هویت ملی هم‌پوشانی دارد. آنتونی اسمیت^۴ (1991) مدعی است که نظریات فوق، خاستگاه‌های «قومی» ملت‌ها را نادیده گرفته‌اند. او بر اهمیت این خاستگاه‌های ازلی یا هم‌بودی‌های قومی (یک نام جمعی، اسطوره‌نای مشترک، تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک، همبستگی و پیوند با یک «میهن» مشخص) به‌عنوان عناصری اساسی که ملی‌گرایی بر آنها مبتنی است، تأکید می‌کند (Smith, 1991: 21). همچنین قوم‌مداری را عامل انسجام‌زدایی در عرصه هویت و قدرت ملی می‌داند. به باور وی بر ایند هم‌بودی‌های قومی، تشکیل هویت قومی و تقویت انسجام قومی در مقابل هویت ملی است. این بر ایند از لحاظ سیاسی به نیرویی تبدیل می‌شود که معطوف به قدرت و دولت مستقل بوده و از نظر فرهنگی به دنبال رسمیت‌بخشیدن به ارزش‌های فرهنگی و قومی خود است (امیدی، ۱۳۸۱: ۵۴).

به باور آنا بریگوییچ^۵ (2018) اینکه فردی هویت قومی- منطقه‌ای یگانه یا دوگانه داشته باشد، پیامدهای مهمی برای نگرش‌های سیاسی او دارد. مطالعات نشان می‌دهد افرادی که هویت دوگانه دارند، در مقایسه با گروه‌های دیگر پذیراتر، جهان‌وطن‌تر و از نهادهای دولتی ملی حمایت بیشتری می‌کنند (Brigevich, 2018). رونالد اینگلهارت^۶ (1977) در کتاب *انقلاب خاموش* معتقد است که تبدیل هویت «محدود» به «جهان‌وطنی» نوعی تغییر روان‌شناختی است که با شهرنشین شدن، باسواد شدن، قرار گرفتن در معرض رسانه‌های

(1991) نیز بر این باور است که هویت ملی به آگاهی افراد از عضویت در یک «ملت» بالقوه یا بالفعل که توسط دولت ساخته شده است، همراه با تمایل به دستیابی، حفظ و تداوم هویت، یکپارچگی و رفاه آن ملت اشاره دارد. ملت‌سازی زمانی موفق می‌شود که همه اعضای جامعه سیاسی کاملاً یکپارچه شوند و از ایدئولوژی سیاسی آن حمایت کنند (Eriksen, 1991). اندرسون هویت ملی را یک «اجتماع خیالی» می‌نامد؛ زیرا «ملت» متشکل از مجموعه افرادی است که خود را برخوردار از هویتی مشترک می‌دانند، اما هرگز با همه اعضا ارتباط واقعی ندارند، بلکه این تصور به‌واسطه عواملی همچون زبان، فرهنگ، تاریخ و نمادهای ملی شکل گرفته است. به باور اندرسون «اطلاعات ابتدایی ما درباره موطن و هم‌میهنمان، به‌واسطه اجتماعات شخصی و چهره‌به‌چهره به دست نمی‌آید، بلکه از طریق کارگزاران جامعه‌پذیری غیرشخصی و گسترده از جمله نظام‌های آموزشی، موزه‌ها و رسانه‌ها کسب می‌شود» (Van Den Bluck, 2001: 53) به نقل از ربانی و همکاران، الف ۱۳۸۸: ۷۳). اریک هابزباوم^۱ نیز هویت ملی را امری تصنعی و ابداعی می‌داند که به‌صورت هژمونیک برای کنترل افکار عمومی به کار می‌رود؛ به‌عبارت‌دیگر نخبگان سیاسی با آنچه که هابزباوم «ابداع سنت» می‌نامد، به قدرت دولت خود مشروعیت می‌بخشند (Kong, 1999: 570) به نقل از ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱). نکته مهم نظریات اندرسون، اریکسن و هابزباوم این است که هویت ملی را هویتی می‌دانند که به طریق «سیاسی» «ساخته» می‌شود؛ درحالی‌که هویت قومی، آن‌طور که جوآن ناگل^۲ (1994) شرح می‌دهد، هویتی است که به‌صورت «اجتماعی» و با استفاده از عناصر زبان، مذهب، فرهنگ، پوشش، تبار، منطقه و... «برساخته» می‌شود؛ بنابراین، اگرچه هویت قومی تا حد زیادی ماهیت انتسابی دارد، «مکان و معنای مرزهای قومی خاص، هم توسط خود اعضای قوم و هم توسط ناظران خارجی، به‌طور مداوم مورد مذاکره، بازنگری و بازآفرینی قرار می‌گیرد» (Nagel, 1994:)

³ Siniša Malešević

⁴ Anthony Smith

⁵ Anna Brigevich

⁶ Ronald F. Inglehart

¹ Eric Hobsbawm

² Joane Nagel

می‌داند که تنوع و چندپارهدن منافع اجتماعی از ویژگی‌های مهم آنهاست. این منافع به صورت هویت‌های متمایز تجلی می‌یابند که این هویت‌ها، مطالبات و چالش‌های جامعه مدنی را پیش روی دولت قرار می‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۰). تد رابرت گار^۷ (1990) در کتاب مردم‌علیه دولت‌ها به بیش از ۵۰ منازعه قومی در جهان طی سال‌های ۹۴-۱۹۹۳ اشاره می‌کند که هدف آنها، خودمختاری بوده و در نهایت بسیاری از آنها به انقلاب و شورش، دموکراسی یا تشکیل دولت‌های جدید ملی یا محلی ختم شده است. او معتقد است زمانی که قومیتی از طرف گروه‌ها یا دولت به طرق متفاوت مورد تهدید و تعدی قرار گیرد، تعارض هویت قومی و ملی رخ می‌دهد (Gurr, 1990). برایان جاب^۸ معتقد است که بسته به اینکه مرجع اصلی امنیت در کشور چه کسی یا نهادی باشد، ماهیت تهدیدات نیز می‌تواند متفاوت باشد و جوامعی که دارای گروه‌های قومی و جماعتی (هویتی) هستند، به لحاظ تعیین ماهیت تهدیدات و متغیرهای امنیتی مرتبط با مرجع امنیت، وضعیت پیچیده‌ای دارند؛ زیرا امنیت گروه‌های قومی نیز همچون شهروندان، ملت و دولت وارد معادلات امنیتی می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۳). کومار روپسینگه^۹ تعارضات هویتی را فراگیرترین و خشن‌ترین نوع نزاع جمعی می‌داند که هر کجا مؤلفه‌ای قومی، مذهبی، عشیره‌ای یا اختلافات زبانی حاکم است، این نوع از تعارضات هویتی زمینه بیشتری برای ظهور دارند و هدف آنها آمیزه‌ای از هویت‌جویی و امنیت‌جویی است (حاجبانی، ۱۳۸۷: ۸۷). ساندرز^{۱۰} (۱۳۸۰) نیز شکاف‌های ساختاری را که یکی از مهم‌ترین منابع بی‌ثبات‌کننده امنیت ملی است، شامل شکاف‌های اجتماعی مربوط به گروه‌های مذهبی و قومی-زبانی می‌داند و تأکید می‌کند که شکاف ریشه‌دار قومی-زبانی به طور اجتناب‌ناپذیری مشکلات پیچیده‌ای را برای یکپارچگی سیاسی و تأمین نظم سیاسی و ثبات پایدار به وجود می‌آورد (ساندرز، ۱۳۸۰).

جمعی و توانایی ارتباط با یک جامعه سیاسی گسترده به جای قوم و قبیله، در فرد رخ می‌دهد (Inglehart, 1977: 57-60). گرایش شدید به برجستگی هویت قومی که با عنوان «قوم‌گرایی»^۱ یا «ملی‌گرایی قومی»^۲ از آن یاد می‌شود، یکی از مسائل اجتماعی اساسی کشورهای چندقومی به شمار می‌رود. اهمیت این مسئله، به ویژه در کشورهای درحال توسعه بیشتر است؛ زیرا تشدید هویت قومی می‌تواند اثرات مخربی بر روند توسعه ملی آنها بگذارد. اگرچه اختلال در روند توسعه ملی پیامدی در سطح کلان محسوب می‌شود، مسئله مذکور در سطح خرد نیز می‌تواند چالش‌ها و آسیب‌هایی برای افراد در جریان تعاملات و مناسبات اجتماعی‌شان به بار آورد.

از نظر پای^۳ و همکاران (۱۳۸۰) بحران در هویت ملی زمانی رخ می‌دهد که دولت نمی‌تواند به عنوان یک واحد ملی کارآمد اجرای نقش کند، آن هم به دلیل اینکه عناصر مهمی از جمعیت کشور به گروه‌بندی‌های فروملی التزام بیشتری دارند (پای و همکاران، ۱۳۸۰). باری بوزان^۴ (۱۳۷۸) نیز عقیده دارد که هویت ملی اغلب در کشورهای چندقومی مورد تهدید قرار می‌گیرد و فرایند شکل‌گیری ملت-دولت اغلب به سرکوب یا حداقل یکسان‌سازی هویت‌های قومی منجر می‌شود. در چنین شرایطی چالش‌هایی از طرف هویت‌های قومی نسبت به هویت ملی ایجاد می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸). ادوارد آزر و چونگ‌این مون^۵ (۱۳۷۹) بحران یکپارچگی را مهم‌ترین متغیر امنیت ملی در جهان سوم می‌دانند. به اعتقاد آنها چندپارگی اجتماعی و تبدیل جامعه چندقومی به دولت-ملت، ابعاد جدیدی را به مسئله پیچیده امنیت ملی در جهان سوم افزوده است که شاید ملموس‌ترین شاخص آن، ناکامی کشورهای درحال توسعه در ایجاد احساس مشترک عمومی درباره ارزش‌ها و علایق مشترک ملی باشد (آزر و مون، ۱۳۷۹). مانوئل کاستلز^۶ (۱۳۸۰) جهانی‌شدن را عامل ایجاد جوامع شبکه‌ای

¹ Ethnocentrism

² Ethnic Nationalism

³ Lucian Pye

⁴ Barry Buzan

⁵ Edward E. Azar & Chung-in Moon

⁶ Manuel Castells

⁷ Ted Robert Gurr

⁸ Brian Job

⁹ Kumar Rupesinghe

¹⁰ David Sanders

گروه‌های قومی از عملکرد دولت می‌دانند.

در نقد نظریات مذکور می‌توان گفت که این نظریات عموماً از چشم‌انداز عملکرد سیاسی دولت، مسئله تعارض هویت قومی و ملی را تحلیل کرده‌اند و نه از چشم‌انداز کنش اجتماعی اعضای گروه‌های قومی؛ در نتیجه، آنچه برجسته شده، کنش سیاسی افراد علیه حاکمیت ملی در قالب شورش است که عامل مهم آن نیز نارضایتی از عملکرد دولت عنوان شده است. اینکه کنشگران چه واکنش اجتماعی‌ای به پدیده تعارض هویتی داشته‌اند و چه راهبردهایی برای حل آن اتخاذ کرده‌اند، در نظریات فوق غایب است. به نظر می‌رسد که واکاوی ساحت ذهنی این پدیده در آگاهی و معانی ذهنی اعضای گروه‌های قومی، این خلأ روش‌شناختی را پر کند.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر باتوجه به ماهیت کیفی پرسش‌های آن، گراندتئوری^۲ یا نظریه زمینه‌ای بوده است. در این روش طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مفاهیم و مقولات از مصاحبه‌ها استخراج و در قالب مدل پارادایمی ارائه می‌شوند (استراوس و کرین، ۱۳۹۱). مقوله‌بندی عبارت است از غلبه کردن بر پراکندگی داده‌ها و رسیدن به شکل داده‌ها و انواع چیزهایی که در یافته‌ها بازنمایی شده‌اند. مفاهیم نیز عبارت‌اند از رسیدن به برساخته‌هایی کلی‌تر و انتزاعی‌تر. توانایی در نشان دادن اینکه این مفاهیم و مقولات چگونه به شکلی نظام‌مند با یکدیگر ارتباط متقابل دارند، محققان را به پروراندن نظریه رهنمون می‌شود (سالدانا، ۱۳۹۵: ۲۱-۲۰)؛ بر همین اساس و با هدف بازنمایی آنچه در ورای داده‌های خام وجود دارد، در تحقیق حاضر شیوه کدگذاری بدین صورت بوده که با انجام هر مصاحبه، پس از پیاده‌سازی آن به صورت متن، مرحله کدگذاری باز تا کشف مقولات اصلی انجام شده است. در این مرحله متن مصاحبه‌ها به جملات، خرد شده و کدهای خام اولیه (۵۶۳ کد) تولید شده‌اند. سپس از کدهای اولیه، کدهای ثانویه (۳۹۲ کد) تولید

بریگوچ و اریتسجافور^۱ (۲۰۲۲) نیز معتقدند افرادی که هویت قومی غالبی دارند، در مقایسه با افرادی که هویت‌های قومی و ملی خود را به یک اندازه ترکیب می‌کنند، از دموکراسی رضایت کمتری دارند و نارضایتی عمیق آنها زمانی بروز می‌کند که احساس می‌کنند در گذشته با گروه قومی آنها ناعادلانه رفتار شده است (Brigevich & Oritsejafor, 2022).

در جمع‌بندی نظریات این بخش می‌توان گفت که تعاریف اندرسون و اریکسن از هویت ملی، این تصور را رد می‌کند که ملی‌گرایی به طور طبیعی قومیت‌محور است؛ به عبارت دیگر، هویت ملی بر هویت قومی مبتنی نیست. مطابق با نظریات آنها، اگرچه ممکن است که پرورش هویت ملی در بین همه مردم یک کشور چندقومی دشوار باشد، به نظر می‌رسد که ایجاد هویت ملی همواره قابل‌دستیابی است؛ زیرا واکنشی اجتماعی-سیاسی است از سوی مردم برای سازگاری تدریجی با خواسته‌های ملت؛ با این حال، اگر فرایند ساخت هویت ملی ناموفق باشد، ملت به قومیت‌هایی تجزیه می‌شود که به طور تعارض‌آمیزی در محدوده ارضی و سیاسی دولت ساکن هستند؛ بنابراین، نظریات اندرسون و اریکسن به تبیین چگونگی ظهور جنبش‌های افراطی جدایی‌طلبانه در کشورهای چندقومی کمک می‌کنند. اندرسون، اریکسن و هابزپاوم معتقدند که هویت ملی به شیوه «سیاسی» «ساخته» می‌شود (ابداع یکباره)؛ درحالی که هویت قومی، مطابق با نظریه ناگل به صورت «اجتماعی» «برساخته» می‌شود (شکل‌گیری تدریجی). هویت قومی از نظر مالشوچ پدیده‌ای غیرازلی و درواقع واکنشی اجتماعی-سیاسی است؛ درحالی که از نظر اسمیت هویت قومی و ملی خاستگاه‌های ازلی دارند. اگرچه بریگوچ معتقد است افرادی که هویت دوگانه دارند، در مقایسه با گروه‌های دیگر از نهادهای دولتی ملی حمایت بیشتری می‌کنند، پای، بوزان، آزر و مون، کاستلز، روپسینگه و ساندرز خلاف این نظر را دارند و معتقدند شکاف‌های میان هویت قومی و ملی به قوم‌گرایی منجر خواهد شد و نه ملی‌گرایی. البته گار، جاب و بریگوچ و اریتسجافور، علت چنین تعارضی را نارضایتی

² Grounded Theory

¹ Emmanuel Oritsejafor

معرفی شده از سوی مصاحبه‌شوندگان رفته است. فرایند انتخاب نمونه و تحلیل داده‌ها تا زمانی ادامه یافته که اشباع نظری حاصل شده است؛ در نهایت ۳۰ مصاحبه انجام گرفت که از مصاحبه بیست و چهارم به بعد با مشاهده داده‌های تکراری و عدم مشاهده داده جدید، اشباع نظری اعلام شد. همچنین در تحقیق حاضر به منظور رعایت اخلاق پژوهش و جلب اعتماد از تکنیک‌هایی همچون عدم ثبت اطلاعات هویتی مصاحبه‌شوندگان و حذف مصاحبه‌های ضبط‌شده در پایان پژوهش استفاده شده است (والی‌من، ۱۳۸۷). روایی^۷ یا اعتبار در تحقیق حاضر با استفاده از نظر اساتید و همچنین شیوه «اعتبار اعضا» حاصل شده است؛ یعنی متن پیاده‌شده مصاحبه برای جرح و تعدیل و نیز نتایج نهایی تحقیق برای تأیید، به نمونه‌های مطالعه‌شده بازگردانده شده است (ایمان، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

مقوله مرکزی که در محور مدل پارادایم قرار می‌گیرد، «دارای قدرت تحلیل است. آنچه این قدرت را به آن می‌دهد، توانایی به هم نزدیک کردن [سایر] مقوله‌ها برای توضیح کل مطلب است. [...] مقوله مرکزی می‌تواند از درون مقوله‌های موجود سر بر آورد یا آنکه پژوهشگر مقوله‌ها [ی موجود] را بررسی کند و به این نتیجه برسد که گرچه هر مقوله چیزی از قصه را باز می‌گوید، ولی هیچ یک حق کل مطلب را ادا نمی‌کنند؛ از این رو نیاز به اصطلاح یا عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی‌تر است که بتواند تمام مقوله‌ها را در بر بگیرد.» (استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۱۶۸) مقوله مرکزی اغلب همان پدیده اجتماعی‌ای است که تحقیق حاضر در پی تحلیل علل و پیامدهای آن است و در این تحقیق، پدیده «تعارض هویتی» به معنای وجود تعارض میان هویت قومی و ملی است. به بیان دقیق‌تر، میان جنبه‌هایی از هویت قومی اعراب خوزستان با برخی از جنبه‌های هویت ملی آنها به مثابه یک ایرانی، ناسازگاری‌هایی وجود دارد. پدیده «تعارض هویتی» مطابق با کدگذاری داده‌ها دارای دو مؤلفه عمده است: ۱) دوگانه

شده است و کدهای ثانویه‌ای نیز که با هم مرتبط بوده‌اند، در قالب کدهای مفهومی یا همان مفاهیم (۶۶ مفهوم) درآمده‌اند. از کنار هم قراردادن چندین مفهوم مرتبط، مقولات فرعی (۲۹ مقوله فرعی) و از دسته‌بندی چند مقوله فرعی مرتبط، مقولات اصلی (۱۴ مقوله اصلی) شکل گرفته‌اند. در روش نظریه زمینه‌ای «اولین گام در یکپارچه‌سازی داده‌ها، تعیین مقوله مرکزی است. مقوله مرکزی که گاه آن را مقوله هسته خوانده‌اند، نمایانگر مضمون اصلی پژوهش است. اگرچه مقوله مرکزی از درون پژوهش بیرون می‌آید، باز یک مفهوم انتزاعی است. با قدری اغراق، مقوله مرکزی حاصل همه تحلیل پژوهشگران را در قالب چند کلمه می‌ریزد. این چند کلمه می‌گوید که کل پژوهش در باب چیست.» (استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۱۶۷). در مرحله کدگذاری محوری، پدیده «تعارض هویتی» به عنوان مقوله مرکزی یا همان پدیده^۱ محوری تعیین شد و سرانجام در مرحله کدگذاری انتخابی سایر مقولات اصلی باتوجه به نسبتی که با مقوله مرکزی داشتند (شرایط علی^۲، راهبردها^۳، شرایط مداخله‌گر^۴، شرایط زمینه‌ای^۵ و پیامدها^۶) در جای مخصوص خود در مدل پارادایمی قرار گرفته‌اند.

قلمرو مکانی تحقیق حاضر استان خوزستان و جامعه مطالعه‌شده آن، اعراب بالای ۱۵ سال بوده است؛ بدین دلیل که هویت قومی و ملی آنها تا حد مطلوبی قوام یافته و درکی از پدیده تعارض هویتی داشته باشند و در نتیجه قابل بررسی جامعه‌شناختی باشند. نمونه‌ها به روش هدفمند و نیز زنجیره‌ای انتخاب شده‌اند؛ بدین معنا که محقق با حضور در مراسم قومی اعراب، ضمن مشاهده مشارکتی به مصاحبه عمیق با موارد مطالعه (در نقش مشارکت‌کننده) پرداخته و سپس به منظور گردآوری داده‌های بیشتر، به سراغ افراد

¹ Phenomena

² Causal Conditions

³ Strategies

⁴ Intervening Conditions

⁵ Contextual Conditions

⁶ Consequences

⁷ Validity

در مقابل هویت ملی اشاره دارد. «ناسیونالیسم قومی، ملت را برحسب قومیتی تعریف می‌کند که اجداد از عناصر اصلی آن است و علاوه‌براین شامل عقاید و فرهنگ مشترک میان اعضای گروه و اجدادشان است که معمولاً دارای زبان مشترکی هستند.» (Barth & Noel, 1972: 33) بیشتر مصاحبه‌شوندگان، به‌ویژه آنهایی که در شهرهای عرب‌نشین سکونت داشتند، هنگامی که درباره قوم خود صحبت می‌کردند، با تأکید بر ویژگی‌های متمایز خود در مقایسه با سایر اقوام ایرانی (مانند نسب و تبار)، از اصطلاح «ملت عرب» استفاده می‌کردند که نشان‌دهنده نوعی ملی‌گرایی قومی و تعارض میان هویت ملی و قومی آنها بود.

عرب/عجم و ۲) ملی‌گرایی قومی. مؤلفه «دوگانۀ عرب/عجم» به احساس عدم تعلق ملی اشاره دارد. در زبان عربی، «عرب» به نژاد سامی و «عجم» به‌طور عام به مردم غیرعرب و به‌طور خاص به اقوام ایرانی غیرعرب یعنی فارس‌ها یا نژاد آریایی اشاره دارد. اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان‌دهنده آن بود که تجارب آنها از نوع برخورد سایر ایرانیان و نیز برخورد دستگاه حاکمیتی با قوم عرب، آنها را به این باور رسانده بود که به کشور ایران تعلق ندارند. این احساس عدم تعلق، تمایز هویتی میان عرب و عجم (نه به معنای غیرعرب، بلکه به معنای ایرانی ضدعرب) و نیز تعارض میان این دو را در آگاهی آنان تقویت کرده است. مؤلفه «ملی‌گرایی قومی» نیز به برجستگی هویت قومی

جدول ۲- مقولات اصلی و فرعی پدیده محوری

Table 2- Main and subcategories of the Axial Phenomenon

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
تعارض هویتی	دوگانۀ عرب/عجم	مهدیس (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «دولت ایران ما اعراب رو مورد اجحاف قرار داده نسبت به اقوام دیگه. تعداد کمی از اعراب مشاغل دولتی دارن. انگار ما ایرانی نیستیم و از یه طرف دیگه اینکه بقیه قومیت‌ها دوستمون نداشتن، باعث شد که منزوی بشیم و احساس کنیم ایرانی نیستیم. توی زبان عربی، در اصل عجم یعنی غیرعرب، ولی به‌خاطر رفتارهای نژادپرستانه‌ای که با ما اعراب میشه، این تصور به وجود اومده که عجم یعنی ایرانی و ایرانی هم یعنی ضدعرب.»
ملی‌گرایی قومی		عقیل (۴۲ساله، دارای تحصیلات کاردانی و شغل آزاد): «تلاش حاکمیت و دولت توی برگزاری برنامه‌ها و جشنواره‌ها ... به‌جای پیوند دادن قوم عرب به ایران، جوریه که اتفاقاً به بی‌احترامی به اعراب منجر میشه؛ چون توی این برنامه‌ها به مردم عرب که اصل و نسب خودشونو میشناسن میگن عرب‌زبان. این یه توهینه؛ چون مردم عرب اصالت براشون فوق‌العاده مهمه. ما ملت عرب هستیم و نه ایرانی عرب‌زبان.»

الف) شرایط علی

غیرایرانی خود و نیز تأکید بر اجداد مهاجر، خود را از مابقی اقوام ایرانی متمایز می‌کنند. «تعارض تاریخی-فرهنگی» به تعارضات میان قوم عرب و قوم فارس (آریایی) با عناوین «تقاطع تاریخی» (مسیر تاریخی جداگانۀ قوم عرب که با مسیر تاریخی قوم آریایی در زمان صدر اسلام تلاقی کرده است)، «تضاد فرهنگی» (آداب و رسوم و آیین‌ها و سنت‌های ایرانی که گاه در تضاد با آداب و رسوم قوم عرب قرار می‌گیرد، همچون آیین چهارشنبه‌سوری) و «ناهمخوانی ساختاری» (ساختار اجتماعی قوم عرب با استفاده از روابط تأیسی و

«شرایط علی» یا سبب‌ساز معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند.» (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۱۵۳) به عبارت دیگر شرایط علی، علل شکل‌گیری پدیده محوری هستند. طبق کدگذاری مصاحبه‌ها این شرایط عبارت بودند از: ۱) تمایز تبار-نژادی، ۲) تعارض تاریخی-فرهنگی، ۳) محرومیت اقتصادی-اقلیمی و ۴) طرد اجتماعی-سیاسی. «تمایز تبار-نژادی» به تفاوت میان ریشه و تبار اقوام مختلف اشاره دارد. اعراب خوزستان با یادآوری شجره‌نامه

و کمبود منابع آبی مخصوص کشاورزی است که عموماً آن را ناشی از احداث بی‌رویه و غیرکارشناسی سدها می‌دانند. وجود مجموعه این مسائل و محرومیت‌ها موجب شده که اعراب خوزستان میان هویت قومی و هویت ملی خود تعارضی بینند و آن را به قومیت غیرآریایی خود نسبت دهند. «طرد اجتماعی-سیاسی» نیز شامل دو گونه طرد است: ۱) طرد اجتماعی از ملت و ۲) طرد سیاسی از دولت. اعراب خوزستان معتقدند که حاکمیت سیاسی ایران و نیز مابقی بدنه اجتماعی ایران، آنها را طرد کرده و بیگانه تلقی می‌کند. مطالب توهین‌آمیز منتشرشده در فضای مجازی نقش عمده‌ای در شکل‌گیری این تصور اعراب دارد.

به‌صورت قبیله‌ای و عشیره‌ای پیوندهای اجتماعی را سازمان می‌دهد؛ درحالی‌که سازمان‌دهی روابط اجتماعی در ساختار اجتماعی قوم فارس بر دیوان‌سالاری و روابط تأسیسی مبتنی است) اشاره دارد. «محرومیت اقتصادی-اقلیمی» شامل فقر اقتصادی و نیز شامل مسائل اقلیمی خاص استان خوزستان می‌شود. فقر اقتصادی به معنای محرومیت عینی اعراب خوزستان از حمایت‌های اقتصادی و بودجه‌های دولتی و نیز به معنای احساس محرومیت ذهنی آنها در مقایسه با سایر استان‌ها و سایر اقوام ایرانی در زمینه رفاه اقتصادی و معیشتی است. مسائل اقلیمی نیز به شرایط دشوار آب و هوایی اشاره دارد که شامل گرمای طاقت‌فرسا، ریزگردها و آلودگی هوای ناشی از سوزاندن مازوت و تأسیسات نفتی و نیز خشک‌سالی

جدول ۳- مقولات اصلی و فرعی شرایط علی

Table 3- Main and subcategories of causal conditions

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
تمایز تبار- نژادی	شجره‌نامه غیرایرانی	احمد (۳۵ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل آزاد): «ما همگی شجره‌نامه خودمون رو می‌دونیم که اجدادمون چه کسانی هستن؛ مثلاً اگر به عرب از عراق یا عربستان ببینم، زود متوجه میشیم که چه نسبتی با هم داریم. حتی آگه هیچ وقت در عمرمون همدیگه رو ندیده باشیم؛ ولی به ایرانی چنین چیزی نداره.»
تضاد فرهنگی	تقاطع تاریخی	حسین (۷۰ساله، دارای تحصیلات راهنمایی و بازنشسته): «اعراب اینجا درواقع از یمن اومدن. وقتی سد بلقیس شکسته میشه و زمین‌هاشونو آب میبره، میان اینجا و اینجا ساکن میشن. بعد از اسلام هم مهاجرت‌های دیگه‌ای اتفاق میفته. مخصوصاً دوران حکومت عباسیان که اعراب تا خراسان هم میرن؛ چون پایتختشون بوده. این نشون میده ما ریشه ایرانی نداریم.»
تعارض تاریخی- فرهنگی	تعارض	احمد (۳۵ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل آزاد): «همین چغیه عربی نماد به تاریخ مستقله. سفیدیش به معنای حور هست و خطوط شطرنجیش نماد تور ماهیگیری. این چغیه قدمتی داره که به پیش از سومری‌ها برمی‌گرده. حکومتی که قبل از سومری‌ها اینجا بوده، پوشش اونا مثل اعراب امروزی ساکن خوزستان بوده. همین چغیه رو بر سر میذاشتن. این منطقه به سرزمین مشخص بوده، مال حکومت مشعشعیان با پرچم و سکه و سیستم حکومتی مستقل که در زمان شاه اسماعیل صفوی تحت سلطه ایران قرار گرفت. وقتی می‌گیم ما جزوی از ایران نبودیم و نیستیم، منظور ما تاریخ ماست. اعراب از ۵۰۰ سال پیش در این منطقه ساکن بودن و ما فقط در صد سال گذشته به زور حکومت جزوی از ایران شدیم.»
تضاد فرهنگی	تضاد فرهنگی	مریم (۳۷ساله، دارای تحصیلات دکترا و خانه‌دار): «بخش وسیعی از جمعیت اعراب خوزستان نمی‌تونن به زبان فارسی صحبت کنن. حتی دانش‌آموزا. به نظر من زبان به مؤلفه خیلی مهمه در شکل‌گیری تعارض هویت قومی و ملی.»
		جلیل (۵۰ساله، دارای تحصیلات راهنمایی و شغل آزاد): «ما الان به زور با هزار مکافات چند جمله فارسی بتونیم بگیم یا بخونیم و بنویسیم. مجبوریم، چون زبان ملی فارسیه و این ما رو اذیت میکنه.»
		احمد (۳۵ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل آزاد): «فرهنگ ما با مابقی ایران متفاوت؛ مثلاً چهارشنبه‌سوری که ریشه در دین زرتشتی و آتش‌پرستی داره با فرهنگ ما در تضاده که عمیقاً با دین اسلام عجین شده و معرفه اصلی فرهنگ ماست.»

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
ناهمخوانی ساختاری		احمد (۳۵ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل آزاد): «یک درصد از مشکلات ما به دادگاه‌ها میرسه. به‌خاطر اون نوعی از سازمان‌دهی که در قوم خودمون داریم و مشکلات رو از طریق وساطت شیوخ حل می‌کنیم.» عقیل (۴۲ساله، دارای تحصیلات کاردانی و شغل آزاد): «نوعی سازمان‌دهی در میان اعراب وجود داره که در سایر اقوام ایرانی به این اندازه و اهمیت دید نمیشه: از فرد به بیت [خانواده]، از بیت به خُشبه [مجموعه چند خانواده عموزاده با یک پدربزرگ]، از خشبه به عشیره [مجموعه چند خشبه با جد مشترک]، از عشیره به طایفه [مجموعه چند عشیره متحد با نیای مشترک]، از طایفه به قبیله [مجموعه چند طایفه متحد]، از قبیله به قَطَر [مکانی که چند قبیله گرد هم آمده‌اند] و از قطر به ملت عرب. همه روابط اجتماعی ما براساس این ساختار شکل می‌گیره؛ به‌ویژه اموراتی مثل ازدواج و طلاق و حل‌وفصل درگیری‌ها.»
فقر اقتصادی		آسیه (۳۹ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل دولتی): «ما هم ایرانی هستیم؛ ولی شما ببینید چقدر محرومیت هست توی منطقه ما نسبت به استان‌های دیگه. با اینکه استان خوزستان این همه درآمد نفتی داره برای این کشور، ولی بهش نمیرسن. اهواز مثل یه روستای بزرگه. هیچ امکاناتی نداره. حتی یه آسفالت خوب نداره.» مسعود (۳۲ساله، دارای تحصیلات دیپلم و شغل آزاد): «توی اهواز امکانات کیانپارس که جای فارس‌هاست رو با امکانات ملاثانی که جای عرب‌هاست مقایسه کنید که مثل قرون وسطی ست. ببینید چقدر تفاوت داره. این محرومیت باعث شده که ما احساس کنیم ایرانی به حساب نمیایم. کار به ما بومی‌ها نمیدن. این همه صنایع توی خوزستان هست، همش نیروی غیربومی.»
محرومیت اقتصادی-اقلیمی		مسعود (۳۲ساله، دارای تحصیلات دیپلم و شغل آزاد): «سد میزنن و آب ما رو قطع میکنن. کشاورزیمون خشک میشه، گاو میش‌هامون میمیرن، بی‌موقع دریاچه سدها رو باز میکنن و محصولاتمون رو آب میبره. جوری شده من عرب توی کشوری که شناسنامه‌اش رو دارم، احساس می‌کنم غریبه‌ام.»
مسائل اقلیمی		سلمان (۴۵ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و شغل آزاد): «اعراب خوزستان در بدترین شرایط نسبت به جاهای دیگه ایران زندگی می‌کنن. گرمای اینجا مخصوصاً تابستون‌ها قابل تحمل نیست؛ ولی ما تو همون هوا هم کارگری می‌کنیم. بیشتر روزهای سال گردوخاک و آلودگی. اینجا مازوت می‌سوزونن که گاز به بقیه کشور برسه. ما چه گناهی کردیم مگه ما ایرانی نیستیم؟»
طرد اجتماعی از ملت		عبدالله (۶۵ساله، دارای تحصیلات دکترا و شغل دولتی): «پان‌ایرانسم و اقبال به دین زرتشتی و به‌طورکلی باستان‌گرایی افزایش پیدا کرده و اقوام غیرعرب ایرانی با استناد به حمله اعراب به ایران در صدر اسلام، اعراب رو باعث و بانی مشکلات امروز ایران تلقی می‌کنن و این دیدگاه رو تعمیم میدن به اعراب ساکن ایران. دین اسلام کارآمدی سابق خودش رو در جامعه ایران از دست داده و همین به‌نوعی باعث طردکردن اعراب که نماد دین اسلام هستن از طرف سایر اقوام شده.»
طرد اجتماعی-سیاسی		فردوس (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «توی فضای مجازی شاهد توهین‌های زیادی نسبت به اعراب هستیم. به ما میگن ملخ‌خور. میگن برید از ایران. برخورد تهاجمی نسبت به ما دارن؛ ولی اینها فقط توی فضای مجازی اتفاق میفته.» معصومه (۲۲ساله، دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بیکار): «توی فضای مجازی تصاویری از نقشه ایران میذارن که اعراب ازش حذف شدن؛ یعنی ما جزوی از ایران نیستیم؟ اونا خودشون باعث میشن ما حس غریبه‌بودن داشته باشیم.» عبدالله (۶۵ساله، دارای تحصیلات دکترا و شغل دولتی): «خود حاکمیت و دولت ایران با قرارن دادن اعراب در پست‌های مدیریتی کلیدی به‌ویژه در این استان، به‌نوعی اونها رو از مناسبات سیاسی کشور کنار گذاشته. این وضعیت باعث میشه ما احساس کنیم که غریبه به حساب میایم و باورمون بشه که ایرانی نیستیم.»
طرد سیاسی از دولت		مسعود (۳۲ساله، دارای تحصیلات دیپلم و شغل آزاد): «این رفتارهای نژادپرستانه رو ما از حکومت می‌بینیم، از رسانه ملی می‌بینیم. یه‌جوری که انگار ما همین‌جوری اینجا هستیم و قومیت رسمی نیستیم. چون جمعیتمون نسبت به کل ایران کمه، همین باعث شده بهمون ظلم بشه و ما رو جدا در نظر بگیرن.» معصومه (۲۲ساله، دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و بیکار): «قوم عرب نیاز داره که بهش بها داده بشه، محدودشون نکنن، کنارشون نذارن؛ چون این برخوردها باعث میشه کم‌کم به انزوا کشیده بشن و قوم‌گرایی واکنشی هست به همین کنار گذاشته شدن. اگر باهشون ارتباط برقرار بشه، اونها هم استقبال می‌کنن.»

ب) شرایط زمینه‌ای

«شرایط زمینه‌ای مجموعه‌ای خاصی از شرایط (شکل‌های شرایط) هستند که در زمان و مکانی خاص جمع می‌آیند تا مجموعه‌ای از اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های [راهبردهای] خود به آن پاسخ می‌دهند.» (استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۱۵۳) بنابراین شرایط زمینه‌ای در ظاهر با راهبرد بی‌ارتباط هستند، اما در واقع بستری برای اتخاذ راهبرد هستند و بر آن مؤثرند. براساس تحلیل مصاحبه‌ها، شرایط زمینه‌ای در رابطه با راهبرد «برساخت اجتماعی هویت ملی» عبارت بودند از: ۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ۲) پایگاه اقتصادی-اجتماعی و ۳) همجواری با غیر.

«ویژگی‌های جمعیت‌شناختی» به متغیرهای زمینه‌ای سن، تحصیلات و شغل فرد و والدینش اشاره دارد که به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان در نوع واکنش آنها به پدیده‌ی تعارض هویتی مؤثرند؛ برای مثال جوان‌ترها و به‌ویژه نسل موسوم به نسل Z، نسلی که با اینترنت بزرگ شده است، گذار راحت‌تری از ملی‌گرایی قومی به هویت ملی ایرانی داشته است؛ زیرا از طریق فضای مجازی ارتباط بیشتری با سایر اقوام ایرانی و آداب و رسوم و زبان آنها داشته است. همچنین

تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی در این امر مؤثر بوده است؛ زیرا فرد به‌واسطه‌ی تحصیلات توانسته است که در فضای تکثرگرایانه‌ی قومی و به‌عنوان یک ایرانی حضور یابد. همچنین اشتغال داشتن فرد، به‌ویژه در مشاغل دولتی، موجب ارتباط بیشتر او با غیرعرب‌ها شده است. همین دو متغیر تحصیلات و شغل در رابطه با هویت ملی والدین شخص نیز مؤثر بوده و این هویت از جانب والدین به وی منتقل شده است. «پایگاه اقتصادی-اجتماعی» نیز به ترکیب متغیرهای تحصیلات، شغل و درآمد اشاره دارد و در مواردی که فرد دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری بوده، بیشتر توانسته است با اقوام ایرانی غیرعرب به‌ویژه از طریق همکاری، مسافرت، مطالعه و... در ارتباط باشد و هویت ملی خود را بیشتر نهادینه سازد. «همجواری با غیر» به زندگی اعراب در میان غیراعراب اشاره دارد. سکونت در شهرها و به‌ویژه کلان‌شهر اهواز که مجموعه‌ی کاملی از اقوام ایرانی را در خود گرد آورده است و بیشتر، مهاجران شغلی هستند، همجواری اعراب با سایر اقوام ایرانی را امکان‌پذیر ساخته که این همجواری به پیوندها و ارتباطات اجتماعی بیشتر میان آنها منجر شده است.

جدول ۴- مقولات اصلی و فرعی شرایط زمینه‌ای**Table 4- Main and subcategories of contextual conditions**

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	سن (فرد/والدین)	محمد (۴۱ساله، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و شغل دولتی): «شما در سه نسل اعراب خوزستان تفاوت رو درباره‌ی هویت ملی میبینی. نسل والدین ما که علاقه‌ی باطنی خاصی به ایران دارن، به‌ویژه به‌خاطر تجربه‌ی جنگ؛ نسل ما که هویت عربی براشون پررنگ‌تر شده، به‌خاطر محرومیت‌هایی که نسبت به سایر اقوام ایرانی تجربه کردن و نسل موسوم به نسل Z که به‌خاطر فضای مجازی، از این هویت‌های ملی و قومی عبور کردن و جهان‌وطن شدن.»
	تحصیلات (فرد/والدین)	مه‌دیس (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «الآن دیگه همه‌ی خانواده‌های جونون به بچه‌هاشون فارسی هم یاد میدن در کنار عربی؛ چون ما ایرانی هستیم و باید فارسی بلد باشیم تا بتونیم کنار دیگران زندگی کنیم، درس بخونیم، کار کنیم و ارتباط داشته باشیم.» عقیل (۴۲ساله، دارای تحصیلات کاردانی و شغل آزاد): «سطح سواد هرچه بیشتر باشه، چه سواد فرد و چه سواد پدر و مادرش، این باعث دانسته‌های تاریخی معتبر و مستند بیشتر میشه. بیشتر درباره‌ی هویت قومی و ملی خودت اطلاعات کسب می‌کنی و حتی سواد رسانه‌ای‌ات زیاد میشه و هر چیزی رو راحت باور نمی‌کنی. مخصوصاً تبلیغاتی که در فضای مجازی برای تجزیه‌طلبی اعراب میشه.» بتول (۲۸ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد): «تحصیلات و شغل پدر و مادر هم مهمه توی شکل‌گیری هویت ملی؛ مثلاً من پدرم خودش کارمند، مادرم معلمه، اینها باعث شده توی خونه از بچگی با ما فارسی هم حرف بزنن و با همکارانشون در ارتباط هستیم و رفت و آمد داریم.»

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
پایگاه اقتصادی اجتماعی	تحصیلات+شغل+درآمد	عقیل (۴۲ساله، دارای تحصیلات کاردانی و شغل آزاد): «این یه واقعیه که اگر شما وضع مالی خوب باشه و بتونی بری همه‌جای ایران رو ببینی، بهش علاقه بیشتری پیدا می‌کنی و به ایرانی بودنت بیشتر افتخار می‌کنی که کشوری به این وسعت و زیبایی و رنگارنگی داری. وقتی یه شغل خوب داری و خیالت بابت درآمد راحت و می‌دونی اگر شغل دولتی داری به‌خاطر تحصیلات و ایرانی بودنت بوده که استخدام شدی معلومه که هویت ملیت پررنگ میشه.»
محل سکونت		شیمیا (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «اگرایی که توی محلاتی زندگی می‌کنن که غیرعرب اونجا زیاده یا مثلاً با غیرعرب ازدواج کردن، اینا راحت‌تر تونستن هم با غیرعرب‌ها ارتباط برقرار کنن و هم خودشونو ایرانی بدونن و اینو نشون بدن. درواقع همین حضورشون بین غیرعرب‌ها باعث شده سازگاری پیدا کنن و در کنار بقیه خودشونو ایرانی بدونن.»
همجواری با غیر		سلمان (۴۵ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و شغل آزاد): «ما هم نوروز رو برگزار می‌کنیم و آیین‌های ایرانی دیگه مثل یلدا و... علتش اینه توی اهواز با همه قومی کنار هم زندگی می‌کنیم با فرهنگ‌های اونجا برخورد داریم. قبلاً اینجا اکثراً عرب بودن. الان از همه قومی اینجا هست.»
محل کار و تحصیل		مه‌دیس (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «ما الان دانشجو هستیم و اینجا با دانشجویانی از سراسر کشور و از اقوام مختلف ارتباط داریم و دوست هستیم و بیشتر احساس ایرانی بودن می‌کنیم، مخصوصاً توی فضای خوابگاه با اونها شبانه‌روزی زندگی می‌کنیم. تا قبل از اینکه پیام دانشگاه من تصور دیگه‌ای از عجم‌ها داشتم الان دوستان غیرعرب زیادی دارم.»
		محمد (۴۱ساله، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و شغل دولتی): «من به‌خاطر شغلم با افرادی از قومیت‌های دیگه و حتی غیرایرانی‌ها ارتباط دارم. این مسئله کمک کرده که هویت ملی من پررنگ‌تر بشه. زمانی که بیکار بودم، بیشتر به عرب‌بودن خودم می‌بالیدم. الان که شاغلم بیشتر به ایرانی بودنم.»

ج) شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر یا دخیل، شرایطی هستند که «شرایط علی را تخفیف یا به‌نحوی تغییر می‌دهند [...] و اکثراً برخاسته از اوضاع و احوال نامنتظره و اتفاقی‌اند که لازم است با عمل/تعامل [راهبرد] به آنها پاسخ داده شود» (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۵۴)؛ به‌عبارت‌دیگر شرایط مداخله‌گر به‌عنوان میانجی یا واسطه عمل نموده و اتخاذ راهبردها را تسهیل و یا تحدید می‌کند. این شرایط در تحقیق حاضر بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان عبارت بودند از: (۱) تکثرگرایی اجتماعی، (۲) همگرایی فرهنگی و (۳) بلایای میهن‌نما.

«تکثرگرایی اجتماعی» که از طریق دو مؤلفه جامعه‌پذیری رابطه‌گرا و ساختار اجتماعی جامعه‌جو صورت می‌پذیرد، به این معناست که اعراب خوزستان از کودکی در ساختاری اجتماعی که مبتنی بر اجتماعات انسانی همبسته است، به‌نحوی پرورش می‌یابند و به بیان جامعه‌شناختی، اجتماعی می‌شوند که به‌راحتی با افراد دیگر، عرب و نیز غیرعرب، ارتباط برقرار

می‌کنند. تکثرگرایی اجتماعی «اجتماعی شدن»^۱ که «اجتماعی‌سازی» یا «جامعه‌پذیری» نیز ترجمه شده است، در معنای رایج فرایندی است که انسان طی آن هنجارها و ارزش‌های جهان اجتماعی خود و نیز شیوه رفتار در آن را می‌آموزد و این فرایند از بدو تولد تا پایان عمر ادامه دارد. طبق تعریف دیانا کندال^۲ «جامعه‌پذیری فرایندی مادام‌العمر در تعاملات اجتماعی است که طی آن افراد هویت و مهارت‌های جسمی، روانی و اجتماعی لازم برای بقا را به دست می‌آورند. بین فرد و جامعه پیوندی ضروری وجود دارد و جامعه‌پذیری ما را قادر می‌سازد تا فعالیت‌های انسانی خود را تحقق بخشیم و روش‌های تفکر، گفت‌وگو و اقدام را که از ضرورت‌های زندگی اجتماعی هستند یاد بگیریم.» (کندال، ۱۴۰۰: ۱۴۲) به دلیل آنکه جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت،

¹ Socialization

² Diana E. Kendall

تصادها و تعارضات هویتی کاهش یابد و اعضای اقوام ایرانی و به‌ویژه اعراب، بیشتر بتوانند بر شباهت‌هایی همچون هویت ملی تکیه کنند. «**بلایای میهن‌نما**» نیز به اتفاقات و حوادثی همچون سیل، زلزله، جنگ، آتش‌سوزی و... در هر نقطه‌ای از سرزمین ایران اشاره دارد که وقوع آنها موجب می‌شود مردم قوم عرب به نحو بارزتری دریابند که ایران میهن آنهاست و هویت ملی آنها بر هویت قومی‌شان غالب می‌شود.

نگرش و رفتار فرد دارد. (4: Elkin & Handel, 1972) این نحوه تربیت ازسوی خانواده و به‌ویژه پدر نسبت به پسران موجب شده که فرزندان راحت‌تر بتوانند نوعی هویت ملی اجتماعی را برساخته کنند. همچنین «**همگرایی فرهنگی**» که مبتنی بر فرهنگ‌پذیری ملی (جذب عناصر فرهنگی فراقومی) و تلفیق فرهنگی است، به تأثیر تدریجی فرهنگ‌های مختلف بر همدیگر به علت هم‌جواری و وجود مراودات اجتماعی بین آنها اشاره دارد که به مرور موجب می‌شود تا تفاوت‌ها،

جدول ۵- مقولات اصلی و فرعی شرایط مداخله‌گر

Table 5- Main and subcategories of intervening conditions

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
	جامعه‌پذیری رابطه‌گرا	شیمیا (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «خانواده‌هایی از اعراب که خودشان با غیرعربا رفتار مسالمت‌آمیزی دارن، بچه‌هاشونم همون‌طوری رفتار می‌کنن؛ یعنی از پدر و مادرشون یاد میگیرن. اونایی هم که رفتار تعارض‌آمیزی با غیرعربا دارن، ذاتاً این‌جوری نیستن، بلکه از رفتار پدر و مادرشون یاد گرفتن؛ چون والدینشون اون هویت متعصبانه رو در اونها شکل داده.»
تکنرگرایسی اجتماعی		مسعود (۳۲ساله، دارای تحصیلات دیپلم و شغل آزاد): «ما اعراب اساساً از کودکی به‌طور اجتماعی بار میایم. به‌خاطر ساختار قبیله‌ای که داریم و خلق‌وخوی ما ذاتاً اجتماعیست. این باعث میشه فرهنگ مهمان‌نوازی و صلح‌رحم پیش ما قوی بشه و تعامل با اقوام و فرهنگ‌های دیگه برای ما آسون باشه.»
	ساختار اجتماعی جامعه‌جو	احمد (۳۵ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل آزاد): «ما اعراب اتحاد رو یک اصل اساسی زندگی اجتماعی می‌دونیم. رسمه ما اینه وقتی کسی میاد در همسایگی ما زندگی می‌کنه توی جمع ما، تا همیشه مهمان اون قبیله و تحت حمایت اون قبیله‌ست؛ مثل دزفولی‌هایی که از قدیم اینجا ساکن بودن.»
	فرهنگ‌پذیری ملی	مه‌دیس (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «ما عربها کلاً به‌خاطر مراسمات زیادی که داریم دوست داریم توی شلوغی باشیم توی جمع باشیم؛ مثلاً هر پسری که ازدواج می‌کنه، پیش خانواده‌ش می‌مونه. اگر جدا بشه، دیگران اینو بد میدونن. این باعث شده کنار هر گروهی بتونیم زندگی کنیم؛ عرب یا غیرعرب.»
	همگرایی فرهنگی	فردوس (۲۰ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی): «من سبک پوششم ایرانیه. مانتویی هستم. عبا نمیپوشم. وقتی میریم عراق، حتی حرف هم که نزنیم متوجه میشن ما ایرانی هستیم؛ چون نوع پوشش ما، آرایش چهره ما و کردار ما با اعراب اونجا متفاوت و تأثیر گرفته از فرهنگ اقوام دیگه ایران به‌ویژه فارس‌هاست. عرب ایرانی لهجه خاصی داره. کلمات دخیل فارسی زیاد داره. ما غذاهای ایرانی زیادی داریم.»
	تلفیق فرهنگی	جمیله (۲۶ساله، دارای تحصیلات دیپلم و خانه‌دار): «ما هم عید نوروز رو برگزار می‌کنیم. با اینکه عید اصلی ما عید فطر هست، جشن یلدا هم می‌گیریم. این توی خانواده‌های جوون‌تر بیشتر دیده میشه.»
		عقیل (۴۲ساله، دارای تحصیلات کاردانی و شغل آزاد): «اهواز یه میکس [مخلوط] فرهنگی جالبی داره. از همه اقوام توش هست: فارس، عرب، کُرد، لُر، گیلک و... این میکس فرهنگی یه لهجه جالبی ایجاد کرده که مخلوطی از همه اینهاست و باعث شده الان ارتباط اعراب با بقیه اقوام بیشتر و راحت‌تر بشه، وصلت بینشون بیشتر بشه. حتی ما داریم برخی از نکات منفی فرهنگ خودمونو تحت تأثیر فرهنگ‌های اونها کنار میذاریم و نکات مثبتی که از اونها می‌گیریم، جایگزینش می‌کنیم.»

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
بلاای طبیعی (زلزله، سیل و...)		عیسی (۶۵ ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و بازنشسته): «وقتی دشمن عراقی سوسنگرد رو گرفت، همه چیزمون رو رها کردیم و رفتیم به جاهای مختلف ایران. اونها به ما پناه دادن و بعد برگشتیم خونه‌هامون؛ چون ما هم مثل اونها ایرانی بودیم، ما هم بعداً زلزله رودبار شد، رفتیم کمک. الآن هم وقتی اتفاقی در جایی از ایران میفته، زلزله، سیل، حتی کارگرانی که توی معدن یورت کشته شدند، ما برای همه اینها ناراحت می‌شیم و اگر کمکی از دستتون بیاد انجام میدیم؛ چون اون لحظه ما فقط به ایرانی‌بودن فکر می‌کنیم، به اینکه هم‌وطن ما در رنج و وظیفه ما همدردی و کمکه.»
بلاای میهن‌نما		احمد (۳۵ ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل آزاد): «اعراب زمان جنگ تحمیلی مقابل صدام ایستادن. صدام که پسرعموی ما حساب می‌شد، حتی به اعراب ایران قول‌هایی داده بود برای زندگی خوب و... در صورت الحاق به عراق؛ اما ایستادن و جنگیدن و کلی شهید دادن و نداشتن یه وجب ازین خاک از دست بره. چرا این کار رو کردیم؟ چون اول ایرانی هستیم و بعد عرب.»
بلاای انسانی (جنگ، ترور و...)		عبدالله (۶۵ ساله، دارای تحصیلات دکترا و شغل دولتی): «وقتی دانشمندان هسته‌ای ما ترور شدن یا سرداران نظامی ما، چرا این همه ناراحت شدیم؟ چون اون زمان از هر قومی که باشیم ایرانی هستیم.»

د) راهبردها

محدوده‌های قومی (به‌ویژه از طریق شهرنشینی، اشتغال در محیط‌هایی با کارکنان دارای قومیت‌های متنوع، مهاجرت و ازدواج) به‌منظور دستیابی به سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و (۲) هویت‌نمایی ملی: به معنای اثبات هویت ملی ایرانی از طریق دفاع از مرزهای سرزمینی در برابر دشمنان و نیز ایستادگی در مقابل تعرضات کلامی و غیرکلامی غیرایرانیان (ولو عرب) به ایران و ایرانی است.

«برساخت اجتماعی هویت ملی» مقوله‌ای که نشان می‌دهد اعراب خوزستان در مقابل پدیده «تعارض هویتی»، هویت ملی را در مقام کنشگر فعال به‌صورت «اجتماعی» و به‌ویژه با تکیه بر «سرزمین مشترک» برساخته‌اند؛ زیرا مقابله با پیشامدها و مسائلی که سرزمین مشترک را در بر می‌گیرد (همچون بلاای طبیعی زلزله، سیل و... یا جنگ با دشمن خارجی مشترک) نیازمند سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و به عبارت بهتر سرمایه اجتماعی برون‌قومی است تا بتوان از سرزمین مشترک دفاع و امنیت آن را حفظ کرد. این نوع از کنشگری مستلزم وجود مسئولیت‌پذیری شخصی و جمعی به‌عنوان عضوی از جامعه بزرگ‌تر یا همان ملت است که دارا بودن هویت ملی را پیش‌فرض می‌گیرد و از طریق کنش مذکور به اثبات آن می‌پردازد.

در روش نظریه زمینه‌ای «دغدغه ما در مقام تحلیلگر، آن قدر که انواع مختلف شرایط و اشکال تلاقی آنها و خلق وضعیت‌هایی است که به عمل/تعامل می‌انجامد، نفس مفهوم علیت نیست. ما می‌خواهیم بدانیم که انسان‌ها چرا و چطور دست به عمل می‌زنند و به چه موقعیت‌ها و مسائل یا اموری پاسخ نشان می‌دهند. این موضوع ما را به وجه پارادایمی عمل/تعامل می‌رساند. عمل/تعامل یا کنش/کنش متقابل^۱ اصطلاحاتی هستند که برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی یا روتین و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار برده می‌شوند. [...] عمل/تعامل‌های راهبردی کنش‌های بامنظور و عمدی هستند که برای حل یک مسئله صورت می‌گیرند.» (استراوس و کریبن، ۱۳۹۱: ۱۵۵) راهبرد واکنشی است که کنشگر به وقوع پدیده محوری از خود نشان می‌دهد؛ در نتیجه کدگذاری مصاحبه‌ها مشخص شد که کنشگران در اثر وقوع پدیده تعارض هویتی، واکنش «برساخت اجتماعی هویت ملی» را اتخاذ کرده‌اند که دارای دو مؤلفه عمده است: (۱) جامعه‌جویی ملی: به معنای گسترش روابط اجتماعی به بیرون از

^۱ Action/Interaction

جدول ۶- مقولات اصلی و فرعی راهبرد

Table 6- Main and sub-categories of the strategy

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
برساخت اجتماعی هویت ملی	جامعه‌جویی ملی	مرتضی (۳۰ ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل دولتی): «الآن ازدواج با اقوام دیگه افزایش پیدا کرده. ما خودمون در تلاش هستیم که پیوندهای بیشتری برقرار کنیم.» عقیل (۴۲ ساله، دارای تحصیلات کاردانی و شغل آزاد): «ما سعی نکردیم از بدنه ایران مستقل بشیم. اگر می‌خواستیم این کارو بکنیم، بهترین فرصت زمان جنگ بود. ما تلاش کردیم که جزوی از این کشور باشیم. خودمون تلاش کردیم با مردم دیگه ارتباط داشته باشیم.»
	هویت‌نمایی ملی	عیسی (۶۵ ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و بازنشسته): «وقتی جنگ شد، اعراب اینجا رشادت‌های زیادی کردن. با اعراب عراقی جنگیدن که هم‌زبونشون بودن؛ ولی نداشتن یک وجب ازین خاک بره. همه اقوام دیگه اومدن اینجا، همه از مرز دفاع کردن؛ چون همه ما ایرانی هستیم. من الانم از عراقی‌ها بدم میاد. با اینکه اقوام ما اون ور مرز هستن، میریم خونه‌شون. وقتی بحث میشه، میگیم اگر بازم روزی به ایران حمله کنید، بازم با شما می‌جنگیم و از کشورمون دفاع می‌کنیم؛ چون ایرانی هستیم.»

ه) پیامدها

«هرجا انجام یا عدم‌انجام عمل/تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی، ازسوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید.» (استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۱۵۶) در تحقیق حاضر پیامدهای اتخاذ راهبرد «برساخت اجتماعی هویت ملی» ازسوی کنشگران عبارت بودند از: ۱) انسجام اجتماعی (وحدت ملی) و ۲) انسجام سیاسی (امنیت ملی).

«انسجام اجتماعی» به وحدت ملی اقوام ایرانی با همدیگر اشاره دارد که دارای دو مؤلفه همبستگی اجتماعی ذهنی و همبستگی اجتماعی عینی است. برساخت اجتماعی هویت

ملی موجب شده است که اعراب ساکن خوزستان خود را بخشی جدایی‌ناپذیر از بدنه اجتماعی ایران و قومی ایرانی در کنار سایر اقوام تلقی کنند و این تلقی ذهنی در روابط اجتماعی آنها با سایر اقوام ایرانی نمود عینی یابد و به وحدت ملی منجر شود. «انسجام سیاسی» نیز به وحدت سیاسی اقوام ایرانی اشاره دارد که با مؤلفه‌های تعهد سیاسی و وفاداری سرزمینی و تأکید بر دارابودن کارت شناسایی ملی، داشتن تعهد سیاسی به دولت و نظام سیاسی و حاکمیتی مشترک، پرچم مشترک، مرزهای سرزمینی مشترک، دشمن مشترک و... نمود می‌یابد و موجب امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و مقابله با تهدید تجزیه‌طلبی می‌شود.

جدول ۷- مقولات اصلی و فرعی پیامدها

Table 7- Main and subcategories of consequences

مقولات اصلی	مقولات فرعی	نمونه متن مصاحبه
انسجام اجتماعی (وحدت ملی)	همبستگی اجتماعی ذهنی	عقیل (۴۲ساله، دارای تحصیلات کاردانی و شغل آزاد): «اینکه ما تلاش کردیم نشون بدیم ایرانی هستیم و پیوندهامون رو با سایر اقوام ایرانی گسترش دادیم، باعث شد که به این باور برسیم هر زمان مشکلی برای قوم ما پیش بیاد و نیاز به کمک داشته باشیم، یک ایران پشت ماست.»
	همبستگی اجتماعی عینی	سلمان (۴۵ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و شغل آزاد): «کشورهای غربی هم رفتیم با اینکه هم‌زبون ما هستن، ولی دوست داریم توی ایران و کنار هم‌وطنانمون زندگی کنیم و همه باهم برای آبادانی کشورمون تلاش کنیم. ما ایرانی هستیم، عرب‌ایرانی. اجازه نمیدیم کسی به ایران توهین کنه، حتی اگر عرب باشه.»
	تعهد سیاسی	محمد (۴۱ساله، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و شغل دولتی): «یه چیز رو نباید فراموش کنیم اینکه ما توی خاورمیانه داریم زندگی می‌کنیم و غرب برای تصاحب اینجا همیشه برنامه داشته و داره؛ بنابراین، ما نه تنها باید با اقوام ایرانی همبستگی داشته باشیم، بلکه باید فرزندانمون طوری پرورش بدیم که ملیت ایرانی براشون معنا داشته باشه؛ چون غرب می‌خواد یک سری از چیزها برای ما ضعیف بشه؛ مثل تعهد سیاسی ما به امنیت ملی کشورمون تا بتونه اراده خودشو به ما تحمیل کنه.»
انسجام سیاسی (امنیت ملی)		سلمان (۴۵ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و شغل آزاد): «ما همه زیر یه پرچم زندگی می‌کنیم، همه یه رهبر داریم، یه رئیس جمهور داریم. گر و تُرک و عرب و فارس نداره، همه ایرانی هستیم. پس باید توی انتخابات شرکت کنیم تا فکر غلبه بر این کشور رو از سر دشمنان بیرون کنیم.»
	وفاداری سرزمینی	جلال (۳۷ساله، دارای تحصیلات کارشناسی و شغل دولتی): «در حرب جهاد که ارتش انگلیس به ایران حمله کرد، اعراب جلوش رو گرفتن و ارتش انگلیس رو شکست دادن. کلی از مردم عرب شهید شدن؛ اما از خاک این کشور دفاع کردن و نداشتن به دست دشمن بیفته، توی هشت سال جنگ هم همین‌طور.»
		عیسی (۶۵ساله، دارای تحصیلات ابتدایی و بازنشسته): «ایران وطن ماست. ما بهش می‌گیم مسقط‌الرأس؛ یعنی زادگاه. با جونمون ازین مرز دفاع می‌کنیم. من عاشق پرچم ایران هستم. بهم میگن وطن‌پرست. عرب‌ها سه چیز براشون خیلی مهمه که به‌خاطرش کشته میشن حتی. اول وطن، بعد ناموس بعد زمین. با تمام وجودشون حفظش می‌کنن؛ مثل وقتی که با دست خالی جلوی توپ و تفنگ ارتش انگلیس ایستادن و شکستشون دادن. این وفاداری اعراب به خاک و مرز ایران بود.»

گربین^۱ در آخرین ویرایش کتاب مبانی پژوهش کیفی (2015) می‌نویسد:

«وقتی زمان ادغام مفاهیم حول مقوله اصلی فرا رسید، متوجه شدم که رسم مدل یکپارچه بسیار مفید است. تجربه من در رسم مدل این است که مدل‌ها راهی مطمئن برای شناسایی شکست‌های منطقی هستند. می‌توان آنها را بارها و بارها تغییر داد تا [وقتی که] روابط بین مقولات در جای خود قرار گیرند و از نظر منطقی «درست به نظر برسد». برای

روشن‌شدن موضع وقتی یک محقق شروع به ادغام مقولات حول مقوله اصلی می‌کند، اصطلاح «داستان» دیگر مناسب نیست؛ زیرا محققان دیگر روایت یا داستان توصیفی نمی‌نویسند؛ بلکه، محققان اکنون به دنبال راهی برای توسعه نظریه هستند. مدل نهایی‌ای که محققان ترسیم می‌کنند باید «اسکلت»^۲ یک نظریه را نشان دهد؛ یعنی باید نشان دهد که چگونه مفاهیم و مقولات اصلی با هم مرتبط می‌شوند. پس از تکمیل مدل، محقق آماده است تا با استفاده از آن به‌عنوان

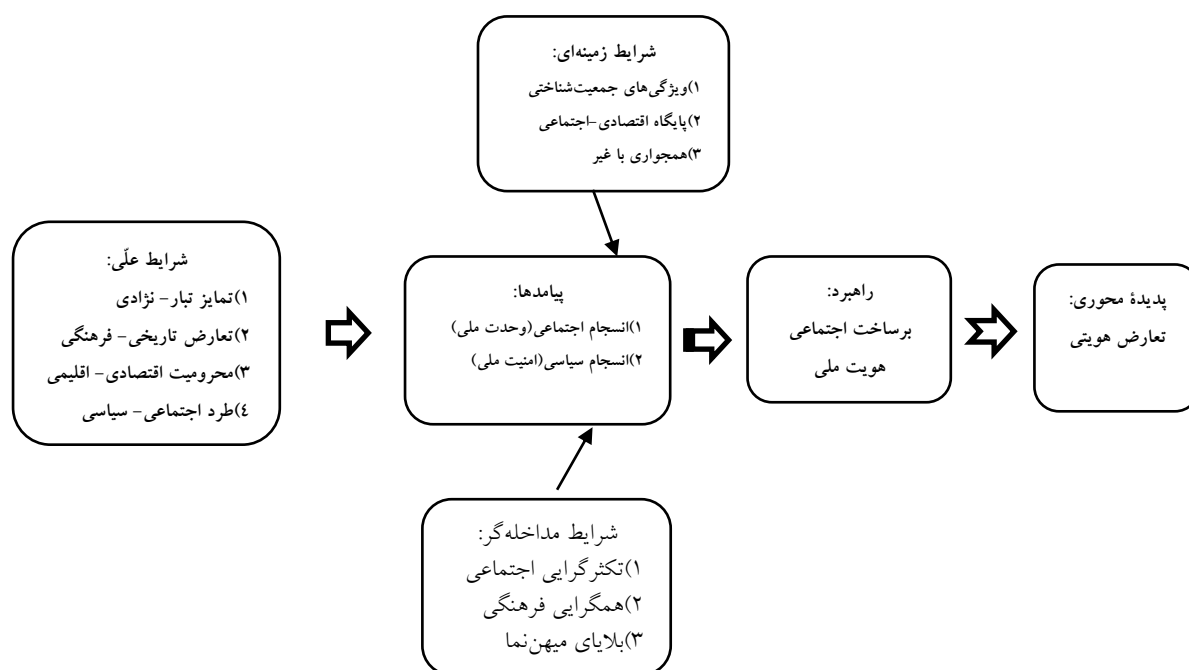
² Skeleton

¹ Corbin

به دست آمده از کدگذاری را (شامل پنج گروه: ۱) شرایط علی، (۲) راهبرد، (۳) شرایط زمینه‌ای، (۴) شرایط مداخله‌گر و (۵) پیامدها) با پدیده محوری مرتبط ساخت. شکل (۱) مدل پارادایمی پدیده تعارض هویت قومی و ملی در میان اعراب خوزستان را نشان می‌دهد.

راهنما، یادداشت‌های خود را تجمیع کند. هر مقوله و روابط بین مقولات، به‌طور خلاصه شرح داده می‌شود. مقولات و زیرمقولات مرتبط، بین علامت‌های توضیح [«»] قرار گرفته و یادداشت خلاصه و مدل، نوشتن یافته‌های بعدی را راهنمایی می‌کنند.» (Corbin & Strauss, 2015:299)

حال می‌توان براساس توضیح گُربین، مقولات اصلی



شکل ۱- مدل پارادایمی پدیده تعارض هویت قومی و ملی در میان اعراب خوزستان

Fig 1- Paradigmatic model of the phenomenon of ethnic and national identity conflict among the Arabs of Khuzestan

بحث و نتیجه

جهانی، ملی، قومی و مذهبی دارد که گاهی ممکن است با هم در تعارض قرار گیرند و از سوی دیگر هویت‌های ملی و قومی، اشکال جدیدی یافته و از حالت محلی بودن خارج شده است. هویت ملی، هویتی در سطح کلان است که مهم‌ترین مشخصه آن وفاداری به حاکمیت ملی و سیاسی یک سرزمین است. هویت قومی نیز اگرچه گاهی ذیل هویت ملی قرار می‌گیرد، درعین حال تحلیل و تبیین آن مستلزم چشم‌انداز سطح خرد است؛ زیرا اگرچه جهانی شدن موجب شده است قومیت‌ها تا حدی از هویت‌های بسته قومی فاصله گیرند، هنوز هم می‌توان هویت قومی را مهم‌ترین شاخص تمایز در

ارتباط فرد با بیرون از خودش به شکل‌گیری هویت او منجر می‌شود که بستر اصلی تعاملات و کنش‌های اجتماعی اوست؛ به عبارت دیگر هویت، پیش‌نیاز زیست اجتماعی است و بدان معنا می‌بخشد. اگرچه با رشد فزاینده تعاملات غیرمستقیم و ارتباطات الکترونیک نوین، بخشی از هویت افراد و گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی شکل می‌گیرد و تجلی می‌یابد، هنوز هم عمیق‌ترین لایه تعلقات اجتماعی با ارجاع به پیوندهای مذهبی و قومی تعریف می‌شود. امروزه و در عصر «جهانی شدن»، از یک‌سو، فرد هویت‌های متعدد و متکثر

هویت قومی است. همچنین اندرسون و اریکسن، هویت ملی و مالشویچ، هویت قومی را پدیده‌ای غیرازلی و واکنشی اجتماعی-سیاسی می‌دانند؛ درحالی‌که از نظر اسمیت هویت‌های ملی و قومی خاستگاه‌های ازلی دارند. در واقع هویت قومی و نیز هویت ملی با تکیه بر خاستگاه‌های ازلی، امکان برساخته‌شدن به شیوه اجتماعی را دارند و این نشان‌دهنده نقدی بر نظریه اندرسون و اریکسن است که معتقدند ملی‌گرایی، قومیت‌محور نیست. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که هویت ملی اجتماعی اساساً مبتنی بر هویت قومی اجتماعی است؛ زیرا افراد با اتکای به اینکه همه اقوام مختلف ساکن در درون یک کشور (خاستگاه ازلی سرزمین واحد و مشترک) با وجود اختلافات فرهنگی بخشی از یک سازه اجتماعی بزرگ‌تر به نام ملت هستند، هویت ملی را برمی‌سازند. پای، بوزان، آزر و مون، کاستلز، روپسینگه و ساندرز برخلاف بریگوییچ معتقدند شکاف‌های میان هویت قومی و ملی به قوم‌گرایی منجر خواهد شد و نه ملی‌گرایی. البته گار، جاب، بریگوییچ و آریس‌جافور، علت چنین تعارضی را نارضایتی گروه‌های قومی از عملکرد دولت می‌دانند. تحقیق حاضر نشان داد که کنشگران خود به صورت فعالانه با تکیه بر مؤلفه وطن (سرزمین مشترک)، از طریق گسترش روابط و پیوندهای اجتماعی برون‌قومی و برساختن هویت ملی به شیوه اجتماعی در رفع شکاف میان هویت قومی و ملی کوشیده‌اند. پیمایش یوسفی (۱۳۸۰) نیز نشان داده است که تعلق به اجتماع ملی با افزایش همکاری‌های بین‌قومی افزایش می‌یابد. یافته‌های پیمایش‌های نواح و تقوی‌نسب (۱۳۸۶)، ربانی و همکاران (ب) (۱۳۸۸) و میرزایی و عباس‌زاده (۱۳۹۲) نیز مؤید این نکته است که محرومیت اقتصادی (یکی از مقولات شرایط علی) با افزایش احساس محرومیت نسبی در میان اعراب خوزستان، به تعارض میان هویت قومی و هویت ملی منجر می‌شود. اگرچه نتایج تحقیق پیمایشی حاجیانی (۱۳۸۷) و تحقیق مروری غلامرضایی (۱۴۰۰) حاکی از عدم تعارض

مرزهای درون‌سرزمینی به حساب آورد. بهره‌گیری از رسانه‌های الکترونیک نوین به منظور بازتعریف و برجسته‌کردن هویت قومی با تکیه بر عناصر اصیل فرهنگی (همچون زبان، دین، پوشش، موسیقی و...) ممکن است در جوامع چندقومی به تعارض میان هویت قومی و هویت ملی، کم‌رنگ شدن هویت ملی و در نتیجه تضعیف امنیت ملی بینجامد؛ بر همین اساس و یا توجه به اهمیت مسئله تعارض هویت قومی و ملی در میان اعراب خوزستان و خطری که نادیده گرفتن این پدیده و نپرداختن به آن برای امنیت ملی و به‌ویژه حفظ تمامیت ارضی ایران دارد، پژوهش حاضر با هدف فهم علل شکل‌گیری پدیده مذکور و نوع واکنش کنشگران این مسئله را از طریق واکاوی کیفی معانی ذهنی اعراب خوزستان با استفاده از روش کیفی نظریه زمینه‌ای بررسی علمی و جامعه‌شناختی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که پدیده «تعارض هویتی» بر اثر شرایط علی (۱) تمایز تبار-نژادی، (۲) تعارض تاریخی-فرهنگی، (۳) محرومیت اقتصادی-اقلیمی و (۴) طرد اجتماعی-سیاسی شکل گرفته است و کنشگران در واکنش به آن راهبرد «برساخت اجتماعی هویت ملی» را اتخاذ کرده‌اند که متأثر از شرایط زمینه‌ای (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، (۲) پایگاه اقتصادی-اجتماعی و (۳) همجواری با غیر، و متأثر از شرایط مداخله‌گر (۱) تکررگرایی اجتماعی، (۲) همگرایی فرهنگی و (۳) بلایای میهن‌نما بوده و دو پیامد مهم انسجام اجتماعی (وحدت ملی) و انسجام سیاسی (امنیت ملی) را به دنبال داشته است.

درواقع مهم‌ترین یافته تحقیق حاضر این بود که نشان داد هویت ملی به دو گونه شکل می‌گیرد: یک نوع آن هویتی «سیاسی» است که «توسط نظام حاکمیتی» و «به شیوه سیاسی» «ساخته» می‌شود؛ همان تعریفی که اندرسون، اریکسن و هابزباوم از هویت ملی ارائه کرده‌اند و نوع دیگر آن «هویتی اجتماعی» است که «توسط مردم» در نقش کنشگران فعال «به شیوه اجتماعی» «برساخته» می‌شود که مشابه تعریف ناگل از

ملی، از طریق برساخت اجتماعی هویت ملی مؤثرند. در رابطه با علل ناکارآمدی ساخت هویت ملی سیاسی ازسوی دولت نیز می‌توان به نتایج فراتحلیل محمودی و همکاران (۱۳۹۸) اشاره کرد که در آن ارزیابی الگوهای مدیریت تعارض هویت قومی و ملی در ایران با فراتحلیل ۱۲۷ مقاله نشان می‌دهد که توسعهٔ ناموزون به‌ویژه در بُعد اقتصادی و نابرابری اجتماعی-سیاسی، برخورد سیاسی و ایدئولوژیک با اقوام، عدم رعایت قانون مربوط به اقوام، کنترل فرهنگی اقوام، روش‌های اقتدارگرایانه، دخالت بیگانگان، دستگاه بوروکراتیک حکومتی و تمرکزگرایی و تأکید بر هویت ملی بیشتر از هویت قومی از علل عدم کامیابی این الگوها بوده‌اند. سرانجام در پژوهش ترکیبی احمدی (۱۳۹۸) اگرچه پدیدهٔ محوری، مطالبهٔ عدالت/گسست اجتماعی بوده است، درعین حال ثبات/زوال سرمایهٔ اجتماعی را پیامد راهبرد (کنش صلح‌آمیز/ پذیرش وضعیت موجود/ تعامل دولت و ملت) دانسته است که تا حدودی با راهبرد «برساخت اجتماعی هویت ملی» و پیامد «انسجام اجتماعی» در تحقیق حاضر همخوانی دارد.

به‌طورکلی پژوهش حاضر با تمرکز بر قوم عرب ساکن استان خوزستان و یاتوجه به تعداد اندک تحقیقات مرتبط با پدیدهٔ تعارض میان هویت قومی و ملی به‌طورکلی و به‌طور خاص در میان اعراب خوزستان، به این نتیجه دست یافت که باید پدیدهٔ مذکور را به روش کیفی و از نگاه کنشگران و نوع واکنش آنها در مواجهه با این پدیده بررسی کرد تا آشکار شود که آنها چگونه تلاش می‌کنند به موازات حفظ هویت قومی، هویت ملی را نیز نهادینه سازند. همچنین درحالی‌که همهٔ تحقیقات پیشین بر هویت ملی سیاسی و «از بالا به پایین» تمرکز داشته‌اند که با تکیه بر آموزش رسمی زبان فارسی و تأکید بر تمامیت ارضی سرزمین ایران، ازسوی حاکمیت به‌منظور یکپارچه‌کردن اقوام ایرانی تعریف شده است، درمقابل، تحقیق حاضر به تحلیل کیفی هویت ملی اجتماعی به‌منظور شناخت بهتر پدیدهٔ تعارض هویت قومی و ملی

میان هویت قومی و ملی اقوام ایرانی و پیمایش‌های ربانی و همکاران (الف ۱۳۸۸)، حیدری و جعفرزاده‌پور (۱۳۹۳)، بهجتی‌اصل و همکاران (۱۳۹۳)، مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۳)، احمدی و گنج‌خانلو (۱۳۹۳)، موحد مجد و همکاران (۱۴۰۱)، مروت (۱۳۹۶)، صادق‌زاده و نادری (۱۳۹۷)، لجمیری و همکاران (۱۳۹۹) و فراتحلیل امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲) حاکی از رابطهٔ مثبت و هم‌افزا میان این دو است؛ اما این تحقیقات عموماً پیمایشی نشان نداده‌اند که چنین عدم تعارض و رابطهٔ مثبتی چگونه حاصل شده است؛ درحالی‌که تحقیق حاضر با تحلیل کیفی واکنش اعراب خوزستان به پدیدهٔ تعارض هویتی نشان داد که درواقع حل تعارض هویتی، نتیجهٔ برساخت اجتماعی هویت ملی ازسوی کنشگران بوده است و نه نتیجهٔ ساخت هویت ملی سیاسی ازسوی دولت؛ به‌عبارت‌دیگر، راهبرد اجتماعی «از پایین به بالا» کنشگران در سطح خرد برای ایجاد هویت ملی، کارآمدی بیشتری در مقایسه با راهکار سیاسی «از بالا به پایین» دولت در سطح کلان داشته است. همچنین اگرچه پیمایش مقدس و همکاران (۱۳۸۸) به رابطهٔ معکوس میان هویت قومی و هویت ملی اعراب خوزستان رسیده، در تحقیق مذکور نقش متغیر میانجی احساس محرومیت نسبی در بُعد اقتصادی در این رابطه پررنگ است. همچنین نشان داده است که میان سن، شغل، تحصیلات و درآمد و نیز نوع منطقهٔ مسکونی (عرب‌نشین و مختلط) و میزان برجستگی هویت قومی در مقایسه با هویت ملی رابطهٔ معناداری وجود دارد که مؤید شرایط زمینه‌ای (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و همجواری با غیر) در تحقیق حاضر است. البته تحقیق مقدس و همکاران (۱۳۸۸) به عدم معناداری متغیر سابقهٔ شهرنشینی با برجستگی هویت قومی رسیده است؛ درحالی‌که تحقیق حاضر نشان داد که سابقهٔ همجواری با غیر تکثرگرایی اجتماعی و همگرایی فرهنگی را در پی دارد که به‌نوبهٔ خود بر حل تعارض میان هویت قومی و

ایرانی، فعالیت‌های رسانه‌ای وحدت‌بخش از طریق احترام به اقوام مختلف و تلاش برای شناساندن آنها، تأکید بر وجوه اشتراک و دوری از وجوه افتراق تنش‌زا در طراحی و تدوین بسته‌های فرهنگی، برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌ها، استفاده از ظرفیت نخبگانی، عدم وابستگی سمن‌ها به دولت و... باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های دولت قرار گیرد، درعین حال مطابق با یافته‌های تحقیق حاضر، فراهم کردن بستر افزایش ارتباطات اجتماعی برون‌قومی و میان‌قومی و افزایش مشارکت اجتماعی اعضای اقوام مختلف، به‌منظور افزایش همبستگی میان اقوام ایرانی و برساخت اجتماعی هویت ملی پیشنهاد می‌شود. در مورد خاص تحقیق حاضر نیز، رویکردهای بوم‌شناختی طراحی مناطق شهری در هم‌تنیده و نه دارای خط تمایز مشخص (مثال: مناطق زیتون کارمندی و زیتون کارگری شهر اهواز)، بهبود شرایط سکونت در محلات مختلف کلان‌شهر اهواز و نیز شهرهای عرب‌نشین استان خوزستان، با هدف نگهداشت بومیان و همچنین جذب مهاجران از سایر اقوام ایرانی و فراهم کردن بستر همجواری اقوام مختلف و افزایش همگرایی پیشنهاد می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی پسادکترای نرگس خوشکلام در رشته جامعه‌شناسی است که با راهنمایی و به میزبانی دکتر عبدالرضا نواح در دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز به انجام رسیده است. نویسندگان مقاله از مشارکت‌کنندگان در تحقیق و نیز مجموعه عوامل مرتبط با واحد پژوهش دانشگاه شهید چمران اهواز تشکر می‌کنند.

منابع فارسی

احمدی، ح.، و گنج‌خانلو، م. (۱۳۹۳). رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان. *رهیافت‌های*

پرداخته است که هویتی «از پایین به بالا» با تکیه بر همبستگی و انسجام اجتماعی است و ازسوی کنشگران به‌منظور بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی برون‌گروهی برساخته می‌شود.

پیشنهاد

مهم‌ترین نقش و به نوعی هنر یک حاکمیت سیاسی، ایجاد تعادل بین هویت‌های قومی و هویت ملی است. این تعادل بخشی گاهی بسیار دشوار است؛ زیرا برخی عناصر قومیتی، باورها و ارزش‌هایی در کُنه خود دارد که ممکن است با المان‌های اصلی هویت ملی در تعارض قرار گیرد. تعارضات فراوانی بین عناصر زبان، تعلقات سیاسی، مشارکت اجتماعی و اقتصادی و سبک زندگی در هویت قومی و هویت ملی وجود دارد که لزوماً همواره همسو و مسالمت‌آمیز نیستند و برقراری توازن در این زمینه مهم‌ترین پیش‌شرط امنیت سرزمینی، حفظ تمامیت ارضی و تحقق تعلقات ملی است. هویت قومی ناظر بر برخی ویژگی‌های فرهنگی از جمله زبان، گویش، رسوم، ارزش‌ها و هنجارها و... است که گروه‌های قومی با تفاخر به این ویژگی‌ها و برجسته کردن برخی از آن‌ها، احساس برتری بر اقوام دیگر دارند که این رواج تفکرات قوم‌مدارانه، خود منشأ تعارض قومی و مانع ایجاد اتحاد در سطح جامعه است. تعارض و تضاد میان هویت‌های قومی و ملی موجود در جامعه متکثر و متنوع قومی-فرهنگی ایران مایه نگرانی و دغدغه‌مندی نخبگان و پژوهشگران است؛ زیرا اگر درباره امر قومی در ایران غفلت مطالعاتی شود، می‌تواند با پتانسیلی که برای ایجاد بستر ظهور شکاف اجتماعی-سیاسی دارد، انسجام و تمامیت جامعه و ملت ایران را به مخاطره اندازد؛ بر همین اساس و باتوجه‌به استفاده از روش تحقیق کیفی در پژوهش حاضر و یافته‌های آن، پیشنهاد می‌شود که برای پرکردن خلأ روش‌شناختی در این حوزه موضوعی، تحقیقات کیفی بیشتری درباره قوم عرب و نیز درباره سایر اقوام ایرانی انجام گیرد.

اگرچه ایجاد برابری رفاه اقتصادی در میان اقوام مختلف

بهشتی، س. ص.، حکمرادی، م. (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات مرتبط با رابطه بین هویت قومی و هویت ملی در ایران با تأکید بر نقش رسانه. *مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۲)، ۵-۲۷. <https://www.sid.ir/paper/173516/fa>

پای، ل. و.، بایندر، ل.، کلمن، ج. س.، لاپالومبارا، ج.، وربا، س.، و واینز، م. (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی (غلامرضا خواجه سروری، مترجم)*. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جلایی‌پور، ح. ر.، و قنبری، ع. (۱۳۸۸). بررسی هویت ملی و ارزش‌های جهانی شدن با تأکید بر ایرانیان عرب زبان. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۳(۲)، ۱۶۵-۱۸۸. <https://elmnet.ir/doc/1193666-81402>

حاجیانی، ا. (۱۳۸۰). *الگوی سیاست قومی در ایران*. مطالعات راهبردی، ۴(۱۱-۱۲)، ۱۱۹-۱۳۸.

<https://www.sid.ir/paper/444751/fa>

حاجیانی، ا. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. *جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۳)، ۱۴۳-۱۶۴. http://www.jsi-isa.ir/article_21815.html

حیدری، ح.، و جعفرزاده‌پور، ف. (۱۳۹۳). فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۳(۱۱)، ۶۳-۹۶.

https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_123257.html

خادم‌دقیق، ا. ه.، فینی‌زاده، ج.، و رضاییان، م. (۱۳۹۵). نقش همبستگی، انسجام و وحدت ملی به عنوان یک ظرفیت اساسی جهت مقابله با جنگ نرم دشمن. *امنیت ملی*، ۶(۲۰)، ۱۰۳-۱۴۲.

https://ns.sndu.ac.ir/article_626.html

داوری، ر. (۱۳۷۶). *ناسیونالیسم و انقلاب*. مؤسسه مطالعات ملی.

ربانی، ر.، و کجیاف، م. ب. (۱۳۸۶). *روانشناسی اجتماعی*. انتشارات دانشگاه اصفهان.

ربانی، ع.، ربانی، ر.، و حسینی، م. ر. (الف ۱۳۸۸). رسانه‌های جمعی و هویت ملی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان). *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۶(۲)، ۶۵-۹۳.

<https://www.sid.ir/paper/152853/fa>

سیاسی و بین‌المللی، ۶(۴۰)، ۹۲-۶۲.

https://pijaj.sbu.ac.ir/article_99285.html

احمدی، ک. (۱۳۹۸). *مطالبات قومی در ایران بر مدار عدالت و توسعه*. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲(۱)، ۲۳۸۶-۲۴۲۹.

<https://kameelahmady.com/fa/ethnic-demands-in-iran-on-the-path-of-justice-and-development/>

استراوس، ا.، و کرین، جی. (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی (ابراهیم افشار، مترجم)*. نی.

افتخاری، ا. (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

امیدی، ع. (۱۳۸۱). *خودمختاری و مدیریت مناقشات سیاسی جوامع دارای اقلیت قومی [پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران]*. نورداک.

<https://noordoc.ir/thesis/22115>

امیرکافی، م.، و حاجیانی، ا. (۱۳۹۲). نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چندقومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری. *راهبرد*، ۲۲(۱)، ۱۱۷-۱۴۶.

https://rahbord.csr.ir/article_124476.html

ایمان، م. (۱۳۸۸). *مبنای پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. حوزه و دانشگاه.

آز، ای.، و مون، سی. (۱۳۷۹). *امنیت ملی در جهان سوم*. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

آقایاری‌هیر، ت.، میرزایی، ح.، و قربانپور، س. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تبریز). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲(۴)، ۵۹-۸۱.

https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_123244.html

بوزان، بی. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بهجتی‌اصل، س. ف.، حیدری، آ.، موحد، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه هویت قومی و ملی با تأکید بر نقش دینداری: نمونه موردی دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۵(۲)، ۱۷۱-۱۸۸.

https://jas.ui.ac.ir/article_18363.html

قومی و ملی بین دانشجویان کرد و آذری دانشگاه‌های

تهران. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵(۱۶)، ۳۹-۶۷.

https://qpss.atu.ac.ir/article_3978.html

غلامرضایی، ع. (۱۴۰۰). قومیت‌گرایی و شکل‌گیری تهدید

ناسیونالیسم قومی در ایران. مطالعات جنگ، ۳(۸)، ۳۵-

۴۹.

https://www.qjws.ir/article_249457.html

فکوهی، ن. (۱۳۹۵). هویت‌های قومی و ملی در ایران در

تضاد نیستند. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

بازنشانی شده در ۱۵ دی ماه. آنلاین. قابل دسترس در:

<https://www.ricac.ac.ir/news/1918>

فکوهی، ن.، و آموسی، م. (۱۳۸۸). هویت ملی و هویت قومی

در کردستان (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و

تعلقات هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیر رسمی

پیرانشهر). پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۲(۲)، ۴۹-

<https://www.sid.ir/paper/144754/fa> ۷۵.

فکوهی، ن.، و عیاری، آ. (۱۳۸۸). اینترنت و هویت در پنج

هویت قومی ایرانی. مجله جهانی رسانه، ۴(۱)، ۱-۲۶.

https://gmj.ut.ac.ir/article_66562.html

کاستلز، ام. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای

(احد علیقلیان، مترجم). طرح نو.

کندال، د. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی معاصر (فریده همتی،

مترجم). جامعه‌شناسان.

گیرنا، ا. (۱۳۷۸). مکاتب ناسیونالیسم و دولت-ملت در قرن

بیستم (امیرمسعود اجتهادی، مترجم). وزارت امور

خارج.

لجمیری، ل.، احمدبیگی، ف.، و صباغیان، ز. (۱۳۹۹). بررسی

روانشناختی احساس تضاد و تعارض بین هویت قومی و

دل بستگی ملی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۲۳،

۱۷۸-۱۸۶.

https://mjms.mums.ac.ir/article_18533.html

مالشویچ، س. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی قومیت (پرویز دلیرپور،

مترجم). کتاب آمه.

محمدیهودی، م. ر. (۱۳۸۴). نقش تمایلات قومی در مشارکت

رئانی، ع.، ربانی، ر.، و حسینی، م. ر. (۱۳۹۰). رابطه احساس

محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی (مورد مطالعه:

دانشجویان دانشگاه اصفهان). جامعه‌شناسی کاربردی،

۲۲(۲)، ۶۷-۹۴.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1390.22.2.4.2>

ربانی، ع.، یزدخواستی، ب.، حاجیانی، ا.، و میرزایی، ح. (ب

۱۳۸۸). بررسی رابطه هویت قومی و ملی با تأکید بر

احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی

دانشجویان آذری، کرد و عرب. مطالعات ملی، ۱۰(۳۹)،

۱۳۷-۱۵۸.

https://www.rjnsq.ir/article_99639.html

سالدنا، ج. (۱۳۹۵). راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران

کیفی (علی گیویان، مترجم). علمی فرهنگی.

ساندرز، د. (۱۳۸۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی. پژوهشگاه

مطالعات راهبردی.

شیخاوندی، د. (۱۳۸۰). تأخیر در تکون هویت ایرانی در

جریان تجدد. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۳(۳)، ۱۱۳-

۱۳۵.

صادق‌زاده، ر.، و نادری، م. ع. (۱۳۹۷). رابطه هویت ملی و

هویت قومی در بین دانشجویان آذری، فارس، لر، کرد و

عرب در دانشگاه‌های ایران. پژوهشنامه فرهنگی

هرمزگان، ۹(۱۴)، ۱۰۰-۱۱۵.

<https://rdch.ir/article-1-213-fa.html>

صفا، س.، ترکمان، ف.، و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۴۰۲).

تأثیر احساس تبعیض قومی در هویت جمعی جوانان کرد

کرمانج خراسان شمالی (مطالعه شهرهای کرمانج‌نشین

خراسان شمالی - سال ۱۳۹۹). امنیت ملی، ۱۳(۴۷)، ۱۵۷-

۱۸۰.

https://journals.sndu.ac.ir/article_2472.html

عالمی‌نیسی، م. (۱۳۸۳). مطالعه میزان برجستگی هویت‌های

فرهنگی و جمعیتی و پیش‌بینی آینده آن [پایان‌نامه

کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه شهید بهشتی].

عبداله، ع. (۱۳۹۵). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت

نبوی، س. ع. (۱۳۸۳). *خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه: ایران، هویت، ملیت، قومیت. مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.*

نواح، ع. و تقوی‌نسب، س. م. (۱۳۸۶). تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی (مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان). *جامعه‌شناسی ایران*، ۱(۲)، ۱۲۲-۱۴۰.

http://www.jsi-isa.ir/article_23893.html

والی‌من، ن. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (محسن نیازی، مصطفی صلابت و فریدون بهادرانی، مترجمان). پندار پارس*

یوسفی، ع. (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران، تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی. *مطالعات ملی*، ۲(۴)، ۴۲-۱۳.

<https://www.sid.ir/paper/428280/fa>

References

- Abdollah, A. (2016). Study of the attention to the components of ethnic and national identity among the Azeri and Kurdish students in Tehran Universities. *Political Strategic Studies*, 5(16), 39-67. [In Persian] https://qpss.atu.ac.ir/article_3978.html.
- Aghayari-Hir, T., Mirzaei, H., & Ghorbanpour, S. (2014). Investigating factors related to national identity and ethnic identity (Case study: Tabriz University students). *Socio-Cultural Strategy*, 2(4), 59-81. [In Persian]. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_123244.html
- Ahmadi, H., & Ganjkhanelou, M. (2015). Relevance of national and ethnic identity among Zanjan's Youth. *Political and International Approaches*, 6(2), 62-92. [In Persian]. https://pij.sbu.ac.ir/article_99285.html
- Ahmadi, K. (2019). Ethnic demands in Iran on justice and development. *Political Sociology of Iran*, 2(1), 2386-2429. [In Persian]. <https://kameelahmady.com/fa/ethnic-demands-in-iran-on-the-path-of-justice-and-development/>
- Alami-Nisi, M. (2004). *Study of the level of salience of cultural and collective identities and predicting its future* [Master's thesis, Shahid Beheshti University]. [In Persian]
- Amirkafi, M., & Hajiani, E. (2013). Relationship between ethnic and national identities in Iran's multiethnic society: Study and comparison of three theoretical approaches. *Strategy*, 22(1), 117-146. [In

سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

محمودی، ا.، افضل‌لی، ر.، ذکی، ی. و یزدان‌پناه، ک. (۱۳۹۸). ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران. *مجلس و راهبرد*، ۲۶(۹۹)، ۲۴۹-۲۷۶.

https://nashr.majles.ir/article_337.html

مروت، ب. (۱۳۹۶). نسبت هویت قومی و ملی در نزد جوانان استان البرز. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۶(۳۷)، ۲۱-۴۱.

https://fasname.msy.gov.ir/article_214.html

مسعودنیا، ح.، مهربانی کوشکی، ر. و کیانی، ن. (۱۳۹۳). بررسی رابطه هویت ملی و قومی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران). *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۳(۲)، ۱۳۹-۱۶۵.

<https://sid.ir/paper/246612/fa>

مصراآبادی، ج.، یارمحمدزاده، پ.، فیضی، ا. (۱۳۹۴). تعیین ابعاد هویت ملی-قومیتی و مقایسه ابعاد هویت ملی، قومی و جهانی دانشجویان قومیت‌های مختلف. *مطالعات میان‌فرهنگی*، ۱۰(۲۵)، ۲۷-۴۸.

https://journals.iau.ir/article_525047.html

مقدس، ع. ا.، لهسایی‌زاده، ع. و تقوی‌نسب، س. م. (۱۳۸۸). بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۱)، ۴۵-۷۰.

https://jas.ui.ac.ir/article_18170.html

موحد مجد، م.، علی‌گو، م.، ایمان، م. و طبعی، م. (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی هویت قومی نوجوانان شهر زاهدان و تأثیر ابعاد مذهبی، ملی و غربگرایانه بر آن. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۹(۱)، ۴۲۹-۴۵۷.

https://jsr.ut.ac.ir/article_88968.html

میرزایی، ح. و عباس‌زاده، م. (۱۳۹۲). مطالعه چگونگی تعامل هویت ملی و قومی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان آذری، عرب و بلوچ). *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۰(۲)، ۲۴۳-۲۷۵.

https://social.um.ac.ir/article_39026.html

- Fakouhi, N. (2016). Ethnic and national identities in Iran are not in conflict. *Research Institute for Culture, Art and Communication*. Retrieved 15 January. [In Persian]. <https://www.ricac.ac.ir/news/1918>
- Fakouhi, N., & Amosi, M. (2009). National identity and ethnic identity in Kurdistan (Case study of economic livelihood and identity affiliations among young people working in the informal economy of Piranshahr). *Youth, Culture and Society Research*, (2), 49-75. [In Persian] <https://www.sid.ir/paper/144754/fa>
- Fakouhi, N., & Ayari, A. (2009). Internet and identity among five tribal groups in Iran. *Global Media Journal-Persian Edition*, 4(1), 1-26. [In Persian]. https://gmj.ut.ac.ir/article_66562.html
- Flesken, A., & Hartl, J. (2020). Ethnicity, inequality, and perceived electoral fairness. *Social Science Research*, 85, 1-13. https://research-information.bris.ac.uk/files/222102050/MANUSCRIPT_Revised_20190619.pdf
- Gholamrezaee, A. (2021). Ethnicity and the formation of the threat of ethnic nationalism in Iran. *War Studies*, 3(8), 35-49. [In Persian]. https://www.qjws.ir/article_249457.html
- Giberna, M. (2009). *Schools of nationalism and the nation-state in the twentieth century* (A. Ejtehad, Trans.). Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
- Gurr, T. R. (1990). *Peoples versus states: Minorities at risk in the new century*. Institute of Peace.
- Haas, R. (1999). *Conflicts unending: The U.S and regional disputes*. Yale U.P.
- Hajiyani, E. (2001). The model of ethnic politics in Iran. *Strategic Studies*, 4(11-12), 119-138. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/444751/fa>
- Hajiyani, E. (2008). Relationship between national and ethnic identities among Iranian ethnic groups. *Iranian Journal of Sociology*, 9(3), 143-164. [In Persian]. http://www.jsi-isa.ir/article_21815.html
- Heydari, H., & Jafarzadehpour, F. (2014). Meta-analysis of relation between national identity and ethnic identity in Iran. *Socio-Cultural Strategy*, 3(2), 63-96. [In Persian]. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_123257.html
- Huntington, S. (1996). *The clash of civilizations and the remaking of world order*. Simon and Schuster.
- Iman, M. T. (2009). *Paradigmatic basis of quantitative and qualitative research methods in the humanities*. Seminary and University. [In Persian]
- Inglehart, R. (1977). *The silent revolution: Changing values and political styles among western publics*. Princeton University Press.
- Jalaeipour, H. R., & Ghanbari, A. (2009). A study of national identity and the values of globalization with emphasis on Arabic-speaking Iranians. [In Persian]. https://rahbord.csr.ir/article_124476.html
- Anderson, B. (1991). *Imagined communities: Reflections on the origin and spread of nationalism*. Verso.
- Azer, E., & Moon, C. (2000). *National security in the third world*. Strategic Studies Research Institute (Translator and Publisher). [In Persian]
- Barth, E. A. T., & Noel, D. L. (1972). Conceptual frame works for the analysis of race relations: An evaluation. *Social Forces*, 50(3), 333-348. <https://doi.org/10.1093/SF%2F50.3.333>
- Beheshti, S. S., & Haqmoradi, M. (2017). A meta-analysis of studies related to the relationship between ethnic identity and national identity in Iran with emphasis on the role of the media. *Iranian Social Issues*, 8(2), 5-27. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/173516/fa>
- BehjatiAsl, S. F., Heidari, A., & Movahed, M. (2014). Analyzing the relationship between national identity and ethnic identity with emphasis on the role of religiosity: The case of high-school students of Yasuj. *Journal of Applied Sociology*, 25(2), 171-188. [In Persian] https://jas.ui.ac.ir/article_18363.html
- Bozan, B. (2000). *People, states and fear*. Strategic Studies Research Institute (Translator and Publisher). [In Persian]
- Brigevich, A. (2018). Regional identity and support for integration: An EU-wide comparison of parochialists, inclusive regionalists, and pseudo-exclusivists. *European Union Politics*, 19(4), 639-662. <https://doi.org/10.1177/1465116518793708>
- Brigevich, A., & Oritsejafor, E. (2022). Ethnic versus national identity and satisfaction with democracy: The decline of the ethnic cleavage in Nigeria? *Regional & Federal Studies*, 34(4), 441-472. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/13597566.2022.2128339>
- Castells, M. (2001). *The information age; the emergence of the network society* (A. Qolian, Trans.). Tarh No. [In Persian]
- Christie, K. (1998). *Ethnic conflict, tribal politics (A Global Perspective)*. Psychology Press.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2015). *Basics of qualitative research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Davari, R. (1997). *Nationalism and revolution*. National Studies Institute. [In Persian]
- Easton, D. (1965). *A systems analysis of political life*. Wiley.
- Eftekhari, A. (2002). *Fundamental stages of thought in national security studies*. Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- Elkin, F., & Handel, G. (1972). *The child and society: The process of socialization*. Random House.
- Eriksen, T. H. (1991). Ethnicity versus nationalism. *Journal of Peace Research*, 28(3), 263-278. <https://www.jstor.org/stable/424407>

- adolescents in Zahedan and the impact of religious, national and Western dimensions on it. *Sociological Review*, 29(1), 429-457. https://jsr.ut.ac.ir/article_88968.html [In Persian].
- Moynihan, D. (1993). *Pandemonium: Ethnicity in international politics*. O.U.P.
- Nabavi, S. A. (2004). *Khuzestan and the challenges of ethnocracy: Iran, identity, nationality, ethnicity*. Institute for Research and Development of Humanities. [In Persian]
- Nagel, J. (1994). Constructing ethnicity: Creating and recreating ethnic identity and culture. *Social Problems*, 41(1), 152-176. <https://academic.oup.com/socpro/article-abstract/41/1/152/2925319>
- Navah, A., & Taghavi-Nasab, S. M. (2007). The effect of feeling of relative deprivation on ethnic identity and national identity (Case study: Arabs of Khuzestan Province). *Iranian Journal of Sociology*, 8(2), 122-140. [In Persian]. http://www.jsi-isa.ir/article_23893.html
- Omidi, A. (2002). *Autonomy and political conflict management of ethnic minority societies* [PhD thesis, University of Tehran]. Noordoc. [In Persian] <https://noordoc.ir/thesis/22115>
- Pye, L. W., Binder, L., Kolman, J. S., Lapalombara, J., Werba, S., & Weiner, M. (2001). *Crises and sequences in political development* (G. Khajeh Sarvari, Trans.). Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- Rabbani, A., Rabbani, R., & Hassani, M. (2011). Relation between relative deprivation and attitude toward national identity (Case sampling: Students of Isfahan University). *Journal of Applied Sociology*, 22(2), 67-94. [In Persian] <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1390.22.2.4.2>
- Rabbani, A., Rabbani, R., & Hassani, M. R. (2009). Mass media and national identity (Case study of Isfahan University Students). *Communication Research*, 16(2), 65-93. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/152853/fa>
- Rabbani, A., Yazdkhasti, B., Hajiyani, E., & Mirzaei, H. A. (2009). Relationship between national and ethnic identities of Azari, Kurd and Arab students in the State Universities of Iran. *National Studies Journal*, 10(39), 137-158. https://www.rjnsq.ir/article_99639.html [In Persian]
- Rabbani, R., & Kajbaf, M. B. (2007). *Social psychology*. Isfahan University Press. [In Persian]
- Sadeghzadeh, R., & Nadi, M. A. (2018). The relationship between national identity and ethnic identity among Azeri, Fars, Lor, Kurd and Arab students in Iranian Universities. *Hormozgan Cultural Research Journal*, 9(14), 100-117. [In Persian] <https://rdch.ir/article-1-213-fa.html>
- Safa, S., Torkman, F., & Saboori Khosroshahi, H. *Journal of Social Sciences*, 3(2), 165-188. [In Persian]. <https://elmnet.ir/doc/1193666-81402>
- Kendall, D. (2001). *Contemporary sociology* (F. Hemmati, Trans.). Sociologists. [In Persian]
- Khademdaghigh, A. H., Finizadeh, J., & Rezaeeian, M. (2016). The role of solidarity, cohesion and national unity as a fundamental capacity to deal with the enemy's soft war. *National Security*, 6(20), 103-142. [In Persian]. https://ns.sndu.ac.ir/article_626.html
- Lajmiri, L., Aahmadbeigi, F., & Sabaghian, Z. (2020). Psychological study of the feeling of conflict between ethnic identity and national attachment. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 63, 178-186. [In Persian]. https://mjms.mums.ac.ir/article_18533.html
- Mahmoodi, A., Afzali, R., Zaki, Y., & Yazdanpanah, K. (2019). Assessment of Iranian ethnic policy and Management Patterns. *Majlis and Rahbord*, 26(99), 249-276. [In Persian]. https://nashr.majles.ir/article_337.html
- Maleshevich, S. (2010). *Sociology of ethnicity* (P. Delirpour, Trans). Ketab Ame. [In Persian]
- Masoudnia, H., Mehrabi-Kushki, R., & Kiani, N. (2014). Investigating the relationship between national and ethnic identity (a case study of students at the University of Tehran). *Sociocultural Development Studies*, 3(2), 139-165. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/246612/fa>
- Mesrabadi, J., Yarmohammadzadeh, P., & Feyzi, A. (2015). Determining the dimensions of national-ethnic identity and comparing the dimensions of national, ethnic and global identity of students of different ethnicities. *Intercultural Studies*, 10(25), 27-48. [In Persian] https://journals.iau.ir/article_525047.html
- Mirzaei, H., & Abbaszadeh, M. (2014). Studying the relationship between students' national and ethnic identities. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 10(2), 243-275. [In Persian]. https://social.um.ac.ir/article_39026.html
- Moghadas, A., Lahsaeizadeh, A., & Taghavi Nassab, S. M. (2009). The study of internal factors affecting ethnic and national. *Journal of Applied Sociology*, 20(1), 45-70. [In Persian]. https://jas.ui.ac.ir/article_18170.html
- Mohammad-Hivadi, M. R. (2005). *The role of ethnic tendencies in political participation* [Master's thesis, Tarbiat Modares University]. [In Persian]
- Morovat, B. (2017). Youth ethnic and national identity (Case Study: Youth in Alborz Province). *Strategic Studies on Youth and Sports*, 16(37), 21-41. [In Persian] https://fasname.msy.gov.ir/article_214.html
- Movahed Majd, M., Aligo, M., Iman, M. T., & Tabei, M. (2022). Sociological study of ethnic identity of

- qualitative research* (E. Afshar. Trans.). Ney. [In Persian]
- Tajfel, H. (1981). *Human groups and social categories*. Cambridge University Press.
- Wallimanis, N. (2008). *Research methods in social sciences* (M. Niyazi, F. Bahadorani, & M. Salabat, Trans.). Pendarpars. [In Persian]
- Yousefi, A. (2001). Interethnic relations and their impact on the national identity of ethnic groups in Iran, a secondary analysis of data from a national survey. *National Studies*, 2(4), 13-42. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/428280/fa>
- Yuki, K. (2021). Modernization, social identity, and ethnic conflict. *European Economic Review*, 140, 103919. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0014292121002233>
- (2023). The effect of feeling of ethnic discrimination on the collective identity of Kurd Youth of North Khorasan Kurds (Study of Kurmanj Cities in North Khorasan- 2019). *National Security*, 13(47), 157-180. [In Persian]. https://journals.sndu.ac.ir/article_2472.html
- Saldana, J. (2016). *Coding guide for qualitative researchers* (A. Giviyani, Trans.). Cultural and Scientific Research. [In Persian]
- Saunders, D. (2001). *Patterns of political instability*. Strategic Studies Research Institute (Translator and Publisher). [In Persian]
- Sheykhavandi, D. (2001). Delay in the movement of Iranian identity in the process of modernization. *Iranian Sociological Association Letter*, (3), 113-135. [In Persian]
- Smith, A. (1991). *National identity*. Penguin.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2012). *Fundamentals of*